



انترناسیونال ۳۴۰

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۸ اسفند ۱۳۸۸، ۱۹ مارس ۲۰۱۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدیر: کاظم نیکخواه

سال تازه را شادباش میگوییم!

پیام تبریک حمید تقوایی به مناسبت نوروز فرارسیدن سال نو را به همه مردم آزاده و رزمنده ایران شادباش میگوییم.

سالی که آخرین روزهای آنرا میگذرانیم آخرین روزهای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را رقم زده است. سال ۸۸ سال دوران خشم فروخورده يك جامعه به زنجیر کشیده شده، سال خیزش توده ای علیه فقر و بی حقوقی و اختناق، و سال فریاد کوبیده "مرگ بر اصل ولایت فقیه" بود. سال ۸۸ سال انقلاب بود: انقلابی انسانی برای يك حکومت انسانی. قدرت و عظمت این جنبش میلیونی که در مقابل یکی از وحشی ترین و جنایتکارترین حکومت های عصر حاضر پیاخته است، در خصلت و مضمون عمیق انسانی، آزادیخواهانه و برابری طلبانه آنست.

صفحه ۲



یادداشت سردبیر يك نگاه به سالی که گذشت

کاظم نیکخواه

سال ۸۸ به پایان خویش نزدیک میشود. و چقدر جا دارد که به یکدیگر فرارسیدن سالی تازه را شادباش بگوییم. زیرا در حالی که سال تازه پا میگذاریم که افق تازه را گشوده ایم. افق خلاص شدن از حکومت توحش و تحجر و چپاول و تبعیض و بی حرمتی را. افق زندگی انسانی را. افق با هم زیستن و شاد بودن و امن بودن را. سال هشتاد و هشت سال شکستن سیطره جمهوری اسلامی بود. دوره نمیشود ها تمام شد. دوره نمیتوانیم ها تمام شد. دوره "يك دست صدا ندارد" به پایان رسید. ما مردم از زن و مرد و پیر و جوان قدرت خویش را در وحشتی که بجان حاکمین انداختیم آشکارا دیدیم و تجربه کردیم. تظاهراتهای میلیونی ما در سراسر ایران

صفحه ۲

جمهوری اسلامی زیر دست و پای جوانان

گزارشی از چهارشنبه سوری میلیونی در شهرهای مختلف ایران

کردند. و بسیار و بسیار شاخ و شانه کشیدند. اما چه شد؟ مردم در سراسر ایران بیرون آمدند و جشن گرفتند و شعار دادند و مقابله کردند و جنگیدند و رقصیدند. برآستی همه چیز حکومت زیر دست و پا افتاد. فتوایشان را آشکارا مردم به زباله دان

صفحه ۴

اخطار و هشدارهای پی در پی داد. مانور گذاشتند. به محلات نیرو گسیل کردند. با هلیکوپتر و دوربین های بزرگ بر بالای سر مردم به پرواز در آمدند. فروش ترقه و فشش و مواد آتش زا را ممنوع کردند. روضه خوانیهای متعدد علیه جشن و سرور و زیر پا گذاشتن قوانین اسلامی برپا

کاظم نیکخواه
چهارشنبه سوری امسال بطور واقعی حکومت اسلامی زیر دست و پای جوانان لگدمالی شد. از چندین هفته قبل خامنه ای و چند تن دیگر از کرگنهای اسلامی علیه برپایی چهارشنبه سوری فتوا دادند و اعلام جنگ کردند. نیروی انتظامی شان

قدرت نمایی "جشن توده ها" علیه جمهوری اسلامی!

چهارشنبه سوری، علیرغم گسیل سپاه و بسیج و نیروی انتظامی به خیابانها، علیرغم تدارک مجلس و دولت و قوه قضاییه و برپا کردن چوبه های دار و حتی وعده نمایش "فیلم

برای انقلاب که به معنای دقیق کلمه به گسترش مبارزه و انقلاب علیه رژیم حاضر گر میخورد. این اتفاقی بود که دیروز در "فستیوال آتش" در ایران رخ داد. به رغم فتوای خامنه ای علیه

مارکس از انقلاب بعنوان "جشن توده ها" یاد میکند. اما شاید تصور نمی کرد که روزی در حکومت ضد شادی و ضد بشری نظیر جمهوری اسلامی نفس جشن و شادمانی توده مردم نه بعنوان استعاره و توصیفی

صفحه ۴

در مورد دستمزد ۳۰۳ هزار تومانی

شهلا دانشفر

سرانجام بعد از غور و تفحص فراوان میزان حداقل دستمزد کارگران برای سال آتی، از سوی شورای عالی کار "جمهوری اسلامی اعلام و مبلغ آن ۳۰۳ هزار و ۴۸ صفحه ۱۰

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران در مورد اعلام حداقل دستمزد سال ۸۹

بازتاب هفته

"مردم از افزایش قیمت ها ناراضی نیستند؟" محمد شکوهی تنش بی سابقه در روابط آمریکا و اسرائیل، سیامک بهاری خانه بزرگان در عزا، یاشار سهندی محله زنجیر، شیدا نجیب زاده (ایران)

صفحات ۷-۸

در صفحات دیگر

وصله ای ناجور بر پیکر جوامع امروز افسانه وحدت، صفحه ۹ فاشیسم اسلامی و افغانها در ایران، بهروز مهر آبادی، صفحه ۹

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



یادداشت سر دبیر

از صفحه ۱

ایم. عزم خلاصی از این حاکمین سرمایه را در ذهن میلیونها پیر و جوانان پارور کرده ایم. اینها هنوز يك جنبه از آن تحول و اتفاق تاریخ سازی است که در سال هشتاد و هشت صورت گرفته است. علاوه بر اینها ما مردم ستهای صد ها ساله میدان داری مذهب و "علما" و الیتهای اشرافی کپک زده را به تاریخ سپردیم. آن چه در این نه ماهه روی داد اثرات عمیق و عظیم خود را در سال جدید بیشتر نشان خواهد داد. جنبشی که در ایران پا گرفته جنبشی صرفا سرگونی طلبانه نیست. يك جنبش مدرن و پیشرو و ضد مذهب و سنت شرق زده و عمیقا انسانی است. به این مفهوم يك جنبش رادیکال و چپگراست. برابری طلبی، آزادیخواهی بی قید و شرط، ضدیت با زندان و اعدام و شکنجه، رفاه طلبی برای همه، اعتراض به فقر و محرومیت و استثمار، تاکید بر منزلت و حرمت همه انسانها، و بسیاری از این جنبه هاست که این جنبش را از بسیاری از جنبشهای ضد دیکتاتوری دنیا متفاوت میکند. این جنبه هاست که نگاه جهان را به سمت این جنبش جلب کرده است. بی تردید در سال تازه این جنبه های عمیق تر و بعضا نهفته تر این جنبش بیشتر نمایان خواهد شد و جهانیان را بیش از پیش شگفت زده خواهد کرد. بگذارید با همین حد اشاره اینجا بسنده کنیم و با امیدی فراوان به اینکه سال تازه سال پیشرویهایی بسیار عظیم تر و سال تحولاتی شیرین و زندگی بخش برای همه مردم شریف ایران باشد، سال تازه را صمیمانه شادباش بگویم.*

علیه حاکمین درنده خو، فی الحال يك عامل تاریخ ساز است. کسی نمیتواند آنرا قلم بگیرد. نادیده انگارد یا بر آینده ایران بدون دخالت و احتساب آن تأثیری بگذارد. سال هشتاد و هشت سالی تاریخ ساز بود. برگي تازه و درخشان را به تاریخ این کشور افزود که اثراتی عمیق و تاریخی و فراموش ناشدنی برجای خواهد گذارد. ما مردم چشم در چشم جانیان علیه رهبر و مقدساتشان شعار دادیم. ما مردم تشتی عظیم را در سرتاپای ماشین حکومتی انداختیم. کاری کردیم که مرگ را به چشم خویش دیدند. از خطر سقوط تهران در روز عاشورایشان حرف زدند. از طوفان و فتنه و انقلاب سخن گفتند. چه لذت بخش بود وقتی که می آمدند و تهدید میکردند و بعد آشکارا در برابر ما مردم کوچه و خیابان، ما "مردم عادی" خفت بار عقب می نشستند. این حکومت اعتصاب ممنوع است. این حکومت مخالفت و تظاهرات ممنوع است. این حکومت تکان خوردن ممنوع است. ما کاری کردیم که فریاد مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای هایمان را در بارگاه جماران شنیدند و بر خود لرزیدند و ناچار شدند به امام راحل و امام زمانشان پناه ببرند. حتی روزهای مقدسشان را به کابوششان تبدیل کردیم. در این يك سال جنایت کم نکردند. دهها و صدها تن از عزیزانمان را از ما گرفتند. جای این عزیزان واقعا بسیار خالی است. اما با وجود این ما محقیم که بگویم ماشین جنایت آنها را زمین گیر کردیم. ما مردم در حالی به سال ۸۹ گام میگذاریم که اتحادی عمیق و سراسری را میان خود ایجاد کرده ایم. انقلاب کردن و سرنگون کردن حکومت را به ژرفای خانه ها کشانده



پیام تبریک حمید تقوایی به مناسبت نوروز

از صفحه ۱

این فریاد خشم جامعه ایست که زندگی زیر خط فقر را نمیپذیرد، و سلطه يك مشت مفتخور چپاولگر را که از قبل غارت دسترنج میلیونها کارگر و مردم زحمتکش ثروتهای افسانه ای بهم زده است بر نمی تابد. این جنبش کوبنده جامعه بجان آمده ای است که برای آزادی و رهائی از شر رژیم اسلامی سرمایه، حکومت جنایتکاران مفتخوری که با شلاق خرافه و اعدام و سنگسار و قصاص و سرکوب اسلامی بخش عظیمی از مردم را به زیر خط فقر، به قعر بیکاری و اعتیاد و تن فروشی و افسردگی و تباهی رانده، بپاخاسته است و تا در هم کوبیدن کل این نظام ضد انسانی از پای نخواهد نشست. این انقلاب يك جامعه به بند کشیده شده علیه دیکتاتوری و سرکوب و اختناق است. جامعه ای که برخاسته است تا بساط سه دهه خفقان و سرکوب اسلامی را بر چیند و اختیار زندگی و سرنوشت سیاسی خود را خود بدست بگیرد. این يك خیزش توده ای علیه حکومت آپارتاید جنسی است. این يك انقلاب زنانه علیه رژیم است که نیمی از جامعه را بجرم زن بودن انسان بحساب نمی آورد و رسماً عملاً در تفکر و قوانین و مناسبات فوق ارتجاعیش زن را برده جنسی مرد قلمداد میکند. این فریاد اعتراض دهها میلیون

جهانشمول انسانی، آزادی و برابری و شان و حرمت همه انسانها، و معیشت و منزلت انسانی است. و دقیقاً بهمین دلیل است که ما در این مبارزه حمایت و همبستگی همه انسانهای شریف و آزادیخواه جهان را با خود داریم. این نقطه قدرت انقلاب ما و تضمین کننده پیروزی ماست. در این مبارزه عزیزان زیادی را از دست داده ایم. انسانهای شریفی که جان خود را از دست دادند، بجرم آزادیخواهی بزنندگان افتادند و در سیاهچالهایی نظیر کهریزک مورد شکنجه و تجاوز قرار گرفتند. یاد نداها و سهرابها و ترانه ها و اشکانها و صدها تن دیگر از جانبباختگان انقلاب هیچگاه از خاطره مردم ایران و مردم شریف و آزاده جهان محو نخواهد شد. ما در آستانه سال نو عهد میبندیم که یاد این عزیزان را با درهم کوبیدن و سرنگون ساختن نظام آدمخوار جمهوری اسلامی گرامی بداریم.

فرا رسیدن سال ۸۹، سال پیروزی حقیقت و تمدن و انسانیت بر رژیم غارت و جنایت جمهوری اسلامی گرامی باد.

حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران- ۲۷ اسفند ۸۸

یورش گارد ویژه زندان گوهردشت به زندانیان سیاسی

شب آغاز میگردد. زندانیان بدون امکان کوچکترین دفاعی با تومهای الکتریکی و انواع وسایل مورد ضرب و شتم و آزار و اذیت قرار میگیرند... کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در این اطلاعیه چنین فراخوان داده است: مردم، انسانهای شرافتمند! اولین اقدام ما برای اعتراض به این جانباختن این است که در صفوف فشرده و متحد با تجمع در مقابل زندانها، بخصوص زندان گوهردشت، خواستار آزادی بی قید و شرط عزیزانمان شویم. با اعلام نام و نشان و تاریخ دستگیری و محل اسارت عزیزانمان به مجامع بین المللی و رسانه های بین المللی مانع مخفی کردن آنها توسط حکومت اسلامی شویم. این دستگاه آدم کشی با برپا

بنا به اطلاعیه کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی طی چند هفته گذشته یورش گارد ویژه در زندان گوهردشت به بندهای زندانیان سیاسی شدت پیدا کرده است. بنا به این اطلاعیه پس از يك سلسله حملات وحشیانه به بند چهار و اذیت و آزار سیستماتیک و زخمی و مجروح شدن تعدادی از زندانیان این بند، طی روزهای گذشته یورش به بند شش این اسارتگاه نیز آغاز شده است. زندانیان بی دفاع بند شش ساعات نیمه شب مورد حملات وحشیانه گارد زندان قرار میگیرند. این حملات مانند یورش به بند چهار به فرماندهی یکی از شناخته شده ترین دژخیمان این زندان به نام امیریان و نیروی چهل نفری گارد ویژه تحت فرمان وی پس از ساعات نیمه

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.antanasional.com

نشریه انترناسیونال:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

آدرس تماس با حزب:

Fax: 0046- 8 6489716 Tel: 0046-739318404

Email: markazi.wpi@gmail.com

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی

L.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران در مورد اعلام حداقل دستمزد ۸۹

علیه فلاکت و علیه جمهوری اسلامی برای افزایش دستمزدها

است. جامعه به جایی رسیده که دفاع از زندگی و معیشت بلافاصل با انقلاب علیه کل اوضاع در هم تنیده و بطور عینی در دستور طبقه کارگر قرار گرفته است.

حزب کمونیست کارگری کارگران سراسر کشور را به مبارزه ای پرشور و متحد برای افزایش دستمزدها و نقد کردن دستمزدهای معوقه فرا میخواند. بی شک حداقل دستمزد ۳۰۰ هزار تومانی خشم و نفرت کارگران را که مدت‌هاست خواهان یک میلیون تومان حداقل دستمزد هستند برخواهد انگیزخت. این خشم و نفرت را باید به حرکتی سراسری و هماهنگ برای افزایش دستمزد ها و بر علیه فلاکت و جمهوری اسلامی تبدیل کرد. حزب همه مردم آزاده، دانشجویان و محصلین و بویژه اقشار طبقه کارگر نظیر معلمان که مستقیماً مشمول این تصمیم شورای عالی کار نیستند را به حمایت قاطع از خواست افزایش سراسری دستمزد به حداقل یک میلیون تومان فرا میخواند. هر تلاش و حرکت کارگران برای افزایش دستمزدها همچون مبارزه کارگران لوله سازی اهواز و موارد متعدد دیگر با حمایت و

مردم، سال پیروزی انقلاب انسانی کارگران و همه مردم و خیز برداشتن برای تحقق رفاه و جامعه ای آزاد و برابر باشد.

امسال از همیشه روشنتر است که مبارزه متحد و سراسری کارگران برای افزایش دستمزدها فقط امر کارگران نیست. کارگران تنها ستون فقرات تلاش اکثریت عظیم جامعه فلاکت زده و اسلام زده ایران در مبارزه علیه حکومت آیت الله های میلیاردر اند. امسال بیش از همیشه مردم زحمتکش چشم به کارگران و تلاش کارگران برای بهبود زندگی دارند. بعلاوه در دل انقلاب عظیمی که بیش از ۹ ماه است جریان دارد، مبارزه برای افزایش دستمزدها فقط یک ضرورت مطلق اقتصادی دفاع از معیشت نیست، بلکه یک اهرم سیاسی قوی برای پیش راندن انقلاب جاری علیه جمهوری اسلامی است. اگر اساس جامعه حاضر بر تبدیل شدن اکثریت به بردگان مزدی اقلیتی مفتخور قرار دارد، اعلام حداقل دستمزد برده واران ۳۰۰ هزار تومانی بیانگر این است که در اوضاع ایران راهی جز انقلاب بردگان برای رهایی از بردگی مزدی نمانده

متحد و سراسری به میدان بیایید!

دیروز شنبه ۲۲ اسفند شورای عالی کار حداقل دستمزد سال ۸۹ را با ۱۵ درصد افزایش به میزان ۳۰۳ هزار تومان تعیین کرد. این افزایش دستمزد نیست، اعلام بی شرمانه خط بردگی مطلق برای اکثریت عظیم جامعه است. در حالیکه قیمت کالاها و خدمات مصرفی بسرعت به قیمت های اروپا نزدیک میشود و در مواردی حتی بیشتر است، حداقل مزد در ایران فقط ده دلار در روز است! وضع البته بدتر هم خواهد شد. قرار است با قطع کامل سوبسید ها، افزایش سرسام آورتر قیمت ها، بالا رفتن بازهم بیشتر بیکاری و اخراج و بیکار سازی، آتش جهنم گرسنگی و فقر در ایران حتی تندتر شود. بدین ترتیب حداقل دستمزد ۳۰۰ هزار تومانی در واقع پیام وقیحانه جمهوری اسلامی به کارگران و اکثریت عظیم جامعه است که سالی بسیار سیاه و فلاکت بارتر از قبل در پیش است. سالی که در عین حال میتواند و باید سال سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب



گزارش از تظاهرات در هامبورگ در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در اعتراض به حضور نمایندگان جمهوری اسلامی

به گزارش نازی برومند، کادر حزب کمونیست کارگری ایران، روز ۱۴ مارس ۲۰۱۰ تظاهراتی اعتراضی در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی صورت گرفت. موضوع از این قرار بود که در پی حضور نمایندگی از رژیم منفور جمهوری اسلامی در نمایشگاه بین المللی توریسم در برلین، قرار بود در کنسولگری جمهوری اسلامی در هامبورگ با حضور نماینده احمدی نژاد و جمعی از مهمانان دست چین شده نستنی برگزار شود.

جمهوری اسلامی از ترس تظاهرات مخالفین مدت‌هاست که محل و زمان نشست های خود در خارج کشور را علنی اعلام نمیکند. در این روز مخالفین رژیم که از موضوع با خبر شده بودند، در مقابل کنسولگری

پدرم رضا زاده بارها شعارهایی علیه رژیم اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ملغا باید گردد، حکومت ضد زن نمیخواهیم، نمیخواهیم، زنده باد آزادی- زنده باد برابری، زندانی سیاسی آزاد باید گردد از پشت بلندگو میداد که از طرف تظاهر کنندگان تکرار شد. پرویز بختیاری قطعنامه ای از طرف انجمن حقوق بشر و دموکراتیک - هامبورگ قرائت کرد. نازنین برومند از طرف حزب کمونیست کارگری ایران اطلاعیه "سفارتخانه های جمهوری اسلامی در خارج کشور باید تعطیل شوند" را برای تظاهر کنندگان خواند و بعد از اتمام تظاهرات نیز از همه شرکت کنندگان در تظاهرات قدرانی کرد و این حرکت را پیروزی دیگری در عقب راندن جمهوری اسلامی در خارج کشور دانست.

استقبال وسیع مردم روبرو خواهد شد. هر قدم پیشروی کارگران در افزایش دستمزدها، هر حرکت سراسری و متحد کارگران بی شک قدمی در پیشروی رفاه و آزادی و برابری و پیش راندن انقلاب انسانی بر علیه رژیم اسلامی و فاسد برده داران خواهد بود.



زنده باد مبارزه سراسری کارگران برای افزایش دستمزد
زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ اسفند ۱۳۸۸، ۱۴ مارس ۲۰۱۰

ده خواست فوری مردم!

- حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:
- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
- ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
- ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
- ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
- ۱۰- تامین و تضمین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به یک میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستههای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.
- مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران

۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹



از صفحه ۱

اسلامی بود. رژیم با تدارک و تلاش و جنایت بسیار کوشیده بود تا فضای رعب و خفقانی را بعد از ۲۲ بهمن برقرار کند. اما هشت مارس امسال در حد محدودتر و اکنون چهارشنبه سوری در ابعاد وسیع و توده‌ای توازن قوای سیاسی را به زیان رژیم بر هم زد. این تغییر توازن قوا برای رژیمی که سرتا پا دچار بحران درونی است، در یک فلج عمیق و لاعلاج اقتصادی دست و پا میزند، در سطح جهانی کاملاً رسوا و بیش از پیش منزوی میشود و مهمتر از همه در محاصره انقلاب مردمی قرار دارد که بهترین های دنیا را میخوانهند، عواقب ترسناکی را در بردارد. در سایه این تغییر توازن قوا شرایط برای گسترش و تعمیق و سازمانیافتگی انقلاب جاری و به میدان آمدن توده های وسیعتر و بخصوص کارگران به مبارزه مستقیم انقلابی فراهم میشود. بدین ترتیب شب گذشته ایران فقط غرق در شادی و سرور مردم و وحشت و هراس معمول هر ساله اوباش اسلامی نبود. بلکه "جشن توده ها" امسال گامی مهم در پیشروی و در قدرتمندی انقلابی بود که ۹ ماه است با قدرت ادامه دارد و تا سرنگونی کامل رژیم ضد انسان اسلامی از پای نمی نشیند.

حکومت انسانی
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ اسفند ۱۳۸۸، ۱۷ مارس ۲۰۱۰

مناطق تجمع زیادی شکل گرفت. پاساژ علاءالدین مرکز اصلی خرید موبایل در خیابان جمهوری شلوغ شده بود و نارنجک دستی و ترقه در آن زده می شد. در میدان هفت تیر مردم با ترقه و نارنجک مقابل نیروهای

های جذاب از تلویزیون دولتی، دیشب میلیونها نفر از مردم به خیابانها ریختند تا چهارشنبه سوری را هرچه وسیعتر و پر سر و صدا تر برگزار کنند. محلات سراسر تهران و همینطور تبریز، مشهد، سنندج، شیراز، اصفهان، اهواز، آبادان، رشت، بابل، کرج، خرم آباد، بروجرد، همدان، ایلام، ارومیه، بوکان و سردشت و شاهین شهر، نجف آباد و بسیاری شهرهای دیگر صحنه جشن و پایکوبی زن و مرد، پیر و جوان بود. در بسیاری نقاط رقص و سرور با شعارهایی نظیر "خامنه ای قاتله" و "زدانی سیاسی آزاد باید گردد" همراه بود. در همه جا دیوارهای آپارتاید جنسی اسلام فرو ریخت و در مواردی حجاب برداشته شد و در آتش افکنده شد. کل شهر به صحنه جنگ و گریز خیابانی و تعرض گسترده جوانان بر علیه اوباش اسلامی تبدیل شد. مردم بار دیگر طعم قدرت خود را چشیدند و روحیه گرفتند و نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی بار دیگر سرنوشت رقت انگیزی که در انتظارشان است را به چشم دیدند.

چهارشنبه سوری هر سال شب طولانی وحشت جمهوری اسلامی بوده و رژیم حداکثر به مهار و کنترل آن قانع بوده است. اما امسال نفس برگزاری چهارشنبه سوری، چه رسد به این ابعاد و چنین آشکارا رادیکال و ضد جمهوری اسلامی، یک شکست سیاسی مهلك برای حکومت

شد. پادگان عشت آباد شعار میدهند "مرگ بر خامنه ای"، "خامنه ای رفوزه توی آتیش میسوزه"، "چه چهارشنبه چه نوروز قیام ملی پیروز". در منطقه آزادی و غرب تهران به نیروهای بسیج از ساعت چهار عصر آماده باش داده بودند. در این

نیروی انتظامی مستقر شده که حالت پادگان را پیدا کرده است. محله سلسبیل از ساعت ۶ عصر روز دوشنبه تا ساعت ۸ شاهد حضور گسترده نیروهای انتظامی بود. مردم این منطقه از چند شب قبل بطور دائم در ساعتهای پایانی روز اقدام به ترقه بازی می کردند. همچنین خیابانهای خمینی و جمهوری اسلامی شاهد ایستهای بازرسی سپاه و بسیج بود. برقراری این ایستهای بازرسی از ساعت ۲۲ شب در این دو خیابان موجب ترافیک شدید و مزاحمت برای مردم گردید. در میدان محسنی، جوانان با مأموران انتظامی درگیر شدند و تعداد زیادی نارنجک صوتی منفجر کردند. صدامی انفجارها بدون انقطاع به گوش می رسید. در خیابان رودکی شعار دادن و درگیری جریان یافت. خیابان و میدان مصدق، پارک وی، خیابانهای بهبودی، آذربایجان، ستارخان، کارون و خانی آباد جوانان جشن آتشین خود را شروع کرده اند و صدامی انفجار از این محلات به گوش می رسد. مصدق مملو از مأموران نیروهای سرکوبگر است. در خیابان رودکی بین مردم و رانندگان ماشینهای مسافربری و سپاه و بسیج که ایجاد مزاحمت کرده بودند، درگیری صورت گرفت. ساعت هفت و چهل و پنج دقیقه سر خیابان هفدهم یکسری از مأموران به طرف مردم حمله کردند و مردم هم به کوچه های اطراف عقب نشینی کردند. مردم در دسته های ۵۰ تا ۱۰۰ نفری بودند. نیروی انتظامی جرأت نمی کرد داخل کوچه ها بیاید اما دو ماشین نفربر نیروی انتظامی پر از یگان ویژه که شمار آنها به صد تن می رسید به سمت مردم آمدند. در این هنگام مردم به هو کردن آنها پرداختند و به سمت آنها بطری و اشغال پرتاب کردند. نیروهای سرکوبگر مردم را از پشت کوچه ها قیچی کردند و ۴ نفر را دستگیر کردند ولی سر خیابان زیر فشار جوانان آنها را آزاد کردند. در درگیری میان مردم و بسیجی ها یکی از جوانان محل یک نارنجک روی پای یک بسیجی پرتاب کرد. در خیابان مطهری جوانان یک خودروی نیروی انتظامی را به آتش کشیدند. ساعت هفت عصر جوانان یک خودروی نیروی انتظامی را به آتش کشیدند. این خودرو که برای سرکوب جوانان وارد خیابان شده بود توسط جوانان محاصره شد و سپس به آتش کشیده

جمهوری اسلامی زیر دست و پای ...

از صفحه ۱

سوری برپا بود. بساط فشقشه و ترقه و آتش بازی. صدای موزیک همه جا بلند بود. دختر و پسر دسته جمعی شادی و رقص میکردند. ولوله بود. در اکباتان در فاز ۳ جوانان با نیروی انتظامی درگیر شدند. جوانان عکس خامنه ای را آتش زدند. جوانان با ترقه دنبال نیروی انتظامی گذاشتند. ساعت سه و نیم عصر میدان انقلاب حالت نظامی بخود گرفته بود. در یک خبر گفته شده است که جوانان مرکز تبلیغات سپاه پاسداران را واقع در منطقه چاپچی و رودکی به آتش کشاندند. در امیر آباد نیز عکس خامنه ای را آتش زدند. در محل پل سید خندان یک سرباز نیروی انتظامی از حمله به مردم سرپیچی کرد و نیروهای انتظامی به او دستبند زدند. در نارمک دولت فشار آورده بود که مغازه ها را ببندند ولی بساط جرقه و چهارشنبه سوری برپا بود. در میدان رضایی، پارک وی، جوادیه، سعادت آباد صدای انفجار بلند بود. در خانی آباد و تهران پارس شلوغ بود. در خیابان بهار و چهار راه رشید دود خیابان را گرفته بود و دخترها و پسرهای زیادی بیرون بودند. شاهدان درباره درگیری جوانان در آریاشهر با مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی میگویند که آریا شهر به میدان جنگ تبدیل شده بود. شماری از دختران حجاب را دور انداخته بودند. میدان کاج تهران نیز صحنه درگیری بود. جوانان در این منطقه می گفتند: این میدان یک ساعت و نیم دست مردم بود. در سعادت آباد نیز مردم به مزدوران موتورسوار حمله کردند و سه موتور مزدوران را سرنگون کردند. در مجیدیه نیز درگیری خیلی شدید بود. در اطراف قطریه و میدان تجریش و نیاوران ساعت ۹ شب نیروی انتظامی مستقر شده بود. ساعت ده و نیم شب در آریاشهر صدای ترقه به گوش می رسید. در ولنجک نیز هرجا که نیروی انتظامی مستقر شده، جوانان بیشتر ترقه میزدند. و به صورت ایذایی عمل میکردند. در ترمینال جنوب نیز صدامی نارنجک زیاد شنیده میشد. در فلکه صادقیه مأموران به صورت گسترده مستقر شده اند ولی بهرغم این جو شدید امنیتی صدای ترقه و نارنجک دستی از ساعت ۴ بعد از ظهر شنیده می شد. در خیابانهای انقلاب و رودکی آنقدر

انداختند. تمثال امام و رهبرش را سوزاندند. شعارهای ساختار شکن جلوی چشم مزدوران سرداندند. دختران در مناطقی قانون حیاتی حکومت را با دور انداختن حجاب اسلامی به سخره گرفتند. کنترل بسیاری محلات و مناطق از چنگالشان خارج شد. روحیه نیروهایش در هم کوبیده شد. مقدساتش را به سخره گرفتند. یکی از کاربران اینترنت با بیان بسیار بجا و جالبی از قول خامنه ای نوشته بود "مردم مشت محکم میزدند بر دهان یاهو گوئی ما زندگان". و بدون اغراق مشت محکمی بر دهانشان زده شد. در سرتاسر ایران جمع های بسیار بزرگی از نه فقط جوانان بلکه زن و مرد و پیر و جوان گرد آمدند و نه یک چهارشنبه سوری سنتی بلکه یک روز انقلاب و سرنگونی را ثبت کردند. در موارد متعددی جوانان به مزدوران حکومت حمله کردند و خیلی جاها فراری شان دادند. ابعاد برگزاری چهارشنبه سوری آنچنان بود که نیروی انتظامی علیرغم فتوای خامنه ای اعلام کرد که برگزاری چهارشنبه سوری در مقابل خانه ها مجاز است! یعنی فتوای "رهبر" دود شده است و به هوا رفته است. اینجا گوشه هایی از چهارشنبه سوری را بازگو میکنیم. و واقعا این گوشه ای است از یک دنیا تحرک و جشن و شعار و درگیری و تظاهرات در سراسر ایران:

تهران

نیروی سرکوب حکومت طبق معمول تمرکز ایلش بر کنترل تهران بود. برخی خیابانها شبیه به پادگان شده بود. نوعی حکومت نظامی در بسیاری از مناطق برپا شده بود. از نیروهای موتورسوار تا گشت های ویژه و لباس شخصی های وزارت اطلاعات به خیابان آمده بودند اما همه جا شاهد شعارهای مرگ بر خامنه ای و مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر اصل ولایت فقیه بودیم. بعضی جاها شعار میدادند "آی بته بته بته، رژیم باید بیفته". در بسیاری از مناطق مردم عکس های خامنه ای را آتش زدند و به فتوای او به این شکل پاسخ دادند. تقریباً سراسر تهران غرق در جشن و تظاهرات و پایکوبی و شعار دادن شد. در قطریه، اکباتان، سیدخندان، صادقیه، گیشا، میدان ولیعصر، شادآباد، یافت آباد، ابراهیم آباد، تهران پارس، سلسبیل و خلاصه در تمام مناطق تهران چهارشنبه



شعار دادن و شادی خود ادامه می‌دادند. ترافیک زیادی بین در ورودی پالایشگاه آبادان تا فلکه فردوگاه بود. مردم با بوق زدن وحشت را در میان ماموران رژیم بیشتر میکردند. در این مسیر ماشین‌ها هر چند دقیقه یک بار می‌ایستادند و جوانان پیاده میشدند و شروع به رقصیدن میکردند. چند جا هم ماموران رژیم با حمله ور شدند به تجمع مردم آتش‌ها رو خاموش کردند. ماموران یگان ویژه ماشین‌ها را تعقیب میکردند و با ایجاد رعب و وحشت بین مردم و با وحشی‌گری افرادی را توقیف کردند. اما جشن و تظاهرات و رقص و آتش بازی تا دیر وقت ادامه یافت.

کرج

جشن و پایکوبی و آتش بازی از بعد از ظهر شروع شد. محلات مختلفی جوانان جمع شده بودند. نیروهای انتظامی مانع میشدند و جوانان با آنها مقابله میکردند و علیه شان شعار میدادند. در محلات مختلف جوانان با نیروی انتظامی درگیر بودند. و شعار میدادند خامنه ای قاتله حکومتش باطله. در فردیس کرج نیز خیلی شلوغ بود

شاهین شهر

جمعیت زیادی بیرون آمده بودند. رقص و آتش بازی بود. جوانان ترقه و بمب منفجر میکردند. مردم علی‌رغم حضور ماموران که با لباس سرمه ای و مشکی در مرکز شهر بودند به جشن چهارشنبه سوری پرداختند.

اصفهان

از منطقه ملك شهر خبر است که ولوله بود و مراسم چهارشنبه سوری با جمعیت زیادی جریان داشت. محلات مختلف شلوغ بود. نیروهای انتظامی قدرت کنترل جمعیت را نداشتند و عقب میشدند. اکثر مناطق دست جوانان است. همه جا آتش است و درگیری. ورودی های شهر را بسته بودند. جوانان کیوسک بسیج را در خیابان هاتف چهارراه، با نارنجکهایشان منفجر کردند و شروع به شعار دادن کردند. در خیلی از محلات نیروهای انتظامی مستقر شده و نمیگذاشتند مردم به منازلشان بروند و جنگ و گریز بود.

بوشهر

مراسم چارشنبه سوری بیشتر در منطقه کوی بهمنی که محل خوابگاههای دانشجویان خلیج فارس است برگزار شد. بسیجی‌ها برای

جمهوری اسلامی زیر دست و پای ... از صفحه ۴

نیز برنامه آتش روشن کردن همچنان برقرار است. بر روی کوه و تپه های اطراف شهر سندج آتش زیادی روشن شده در يك كلام بايد بگويم که "سندج یکپارچه سرخ است".

شهر کرد

مراسم در پارک ملت و پارک تهلجان وسیع بود. مامورین جمهوری اسلامی حمله کردند و درگیریهای گسترده ای جریان یافت. مردم شعار مرگ بر خامنه ای، و مرگ بر دیکتاتور و شعاردهای دیگر سر میدادند. درگیری و شعار دادن تا ساعتها ادامه یافت. گفته میشود که قریب به ۶۰ نفر از جوانان در این درگیریها توسط مامورین حکومت دستگیر شدند. صبح پنجشنبه خانواده های دستگیر شدگان و شماری از مردم مقابل اداره اطلاعات در سراه شهرک گرد آمدند و دست به اعتراض زدند.

قم

فضای چهار شنبه سوری همه جای شهر مشاهده میشد. از بعداز ظهر نیروی انتظامی تردد هر نوع موتور را در سطح شهر ممنوع کرد. بسیج، سپاه و لباس شخصی ها همه شهرعلی الخصوص نقاط حساس را قرق کرده بودند و بیشتر ماشینها را بازرسی می کردند. اما آتش بازی و ترقه در کردن در چندین محله از جمله بوستان علوی، شهرک قدس و سالاریه وسیعا جریان یافت.

آبادان:

هوا که به تاریکی رفت کم کم صدای ترقه ها اوج گرفت فضای شهر خیلی ملتهب بود. جوانان دور هم در دسته های چند تایی در کوچه ها جمع شده بودند و آتش بازی راه انداخته بودند. خانواده ها با دختر و پسر جعبت زیادی را تشکیل داده بودند و آتش روشن کرده و با صدای بلند آهنگ، دختر و پسر بودند که میرقصیدند. به قدری شدت ترقه ها زیاد بود که نیروی انتظامی آمد گفت سالی یک بار بزنید برقصید، ولی ترقه نزنید. بر خلاف حرفایشان مردم دوباره ترقه بازیشان اوج گرفت که بعداز چند ساعت مامورین یگان ویژه و لباس شخصی و سپاه وارد تجمع مردم شدند و جو را ملتهب تر کردند که به جایی رسید که نیروی انتظامی برای متفرق کردن مردم تیر هوایی شلیک کرد و ۲ نفر را دستگیر کردند. ولی مردم باز در جای دیری از پارک تجمع میکردند و به

امنیتی تا دندان مسلح می ایستند. ساعت ۹ شب در میدان ۷ تیر درگیری بسیار بالا بود. نیروهای امنیتی تا دندان مسلح بودند و در میدان ۷ تیر شلیک هم توسط آنها صورت گرفت. مردم هم ترقه و نارنجک های دست ساز میزدند. همچنین در خیابان استاد معین هم فضا بسیار ملتهب بود و مردم همه بیرون بودند. در گیشا جوانان یک بسیجی مزدور را که با موتور، نمایش ارباب میداد را با ضربات آجر متوقف کرده و پس از گوشمالی دادن وی، موتورش را به آتش کشیدند. شدت انفجارهای گیشا بحدی بود که مزدوران جرات مقابله با مردم را نداشتند.

سندج

حکومت فروش ترقه و مواد انفجاری را از قبل ممنوع کرده بود. اما جوانان از یک روز قبل یعنی دو شنبه شب آتش بازی و ترقه در کردن را شروع کردند و فضای شهر بسیار شور انگیز بود. در چهارشنبه شب از ساعت ۳ بعدازظهر مردم به استقبال چهارشنبه سوری رفتند و ترقه بازی و روشن کردن آتش در نقاط مختلف سندج برقرار شد. مناطقی از شهر به محل برگزاری موزیک و رقص و پایکوبی مردم، روشن کرن آتش، ترقه و دیگر مواد آتشنا و فشفشه هوا کردن اختصاص داشت. مردم با تجمع در محلات و چهار راهها آتش روشن کردند و به رقص و پایکوبی پرداختند. فضای شهر لبریز از شور و شوق و خنده و شادی شده بود. لحظات دلپذیر و شورانگیزی بود و مردم تا آخر شب نیز قصد برگشتن به خانه را نداشتند. خیابانهای فرح، کار آموزی، چهار باغ به طرف فیض اباد، خیابان وکیل در دست مردم است. نیروهای سرکوبگر رژیم چندین بار به مردم حمله کرده اند، اما هر بار با مقاومت جانانه مردم بویژه جوانان موجه شده و وادار به عقب نشینی شده اند. مردم شیشه یکی از ماشینهای رژیم را شکستند و چندین مامور را زخمی کردند. رژیم در حال جمع اوری نیروهای سرکوبگرش است. موتور سواران و نیروهای گارد ویژه را آماده کرده که به مردم حمله کنند، اما مردم هم در مقابل با بمب های آتش زاء، سنگ و چوب به سرکوبگران حمله می کنند ندارند. علاوه بر محلات، بر روی پشت بامها

چهارشنبه سوری هزاران نفر از مردم شهر سندج و اطراف، برای مراسم چهارشنبه سوری به اطراف صلات آباد می روند. منطقه صلات آباد که تقریباً به شهر چسبیده است، مکان تفریحی و مناسبی برای گردش، رقص و پایکوبی مردمی است که به اینجا آمده اند تا از برنامه هایی که برای شادی و خوشی تدارک دیده اند لذت ببرند. عوامل و نیروهای حکومت در این منطقه حضور آنچنانی ندارند و چه بسا جرئت آمدن به قسمتی از شهر را آنهم در چنین روزی که هزاران نفر در اینجا گرد آمده اند ندارند. این منطقه هر سال در چهارشنبه سوری آنقدر شلوغ است که متأسفانه بسیاری در ترافیک می مانند و موفق به حضور در مرکز محل تجمع هزاران نفره نمی شوند. امروز هم بسیاری از مردم ناچار به بازگشت شدند و برای سپری کردن اوقات شادی خود به مناطق دیگری در اطراف شهر رفتند. به جرئت می توانم بگویم که در طول ۳۰ سال حاکمیت جمهوری اسلامی، شهر سندج تا کنون چنین چهارشنبه سوری وسیع و گسترده ای بخود ندیده است. این در حالی است که حکومت اسلامی سندج و دیگر شهرهای کردستان را به يك پادگان نظامی تبدیل کرده است اما گویا مردم به این زودپها قصد تمام کردن این جشن و سرور را ندارند. اکنون ساعت ۸ شب است اما مراسم و برنامه های شاد، رقص و پایکوبی تا ساعات آخر شب همچنان ادامه خواهد داشت گویی تازه شروع شده است. در مناطقی نیز زنان و دختران حجابهایشان را به آتش کشیده اند که متأسفانه خبر بیشتری در حال حاضر ندارم. گزارش فرناز روشن از مراسم چهارشنبه سوری در سندج)

زنده باد مردم آزادیخواه سندج
زنده باد سندج سرخ
کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران- ۲۵ اسفند ۱۳۸۸



مختلف جمع شده بودند و میرقصیدند و موزیک پخش میکردند و دور آتش میچرخیدند.

بروجرد

در چندین محله آتش های بزرگی برپا شده بود و جوانان دور آن میرقصیدند و شعار میدادند. در خیابان تختی دختران و پسران شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای سر میدادند.

قزوین

شمار زیادی از جوانان بیرون آمده بودند و به جشن و پایکوبی و آتش بازی و ترقه پرداختند. بیشتر تجمعات در خیابان خیام بود. نیروهای انتظامی تلاش کردند مانع جوانان شوند اما مقاومت آنها روبرو شدند و درگیریهایی صورت گرفت و شعار دادن اوج گرفت.

در خرم آباد

مردم به طور گسترده به خیابان آمده بودند. یک گزارش میگوید این شهر به مدت ۲۰ دقیقه دست مردم بود. مردم اطراف دریاچه سه بسیجی را به شدت گوشمالی دادند. مردم شعار می دادند: "مرگ بر خامنه ای" و "خامنهای قاتله ولایتش باطله" و "ترسید ترسید ماهمه باهم هستیم".

در مشهد

خیابانها و کوچه پس کوچهها به میدان جنگ تبدیل شده بود و پر از صدای انفجار بود. مأموران موتور سیکلت سوار قادر به مقابله با جوانان نبودند و از برابر آنان فرار میکردند. جوانان میگفتند خامنه ای گفته است چهارشنبه سوری حرام است، به همین دلیل ما چهارشنبه سوری را به بهترین شکل ممکن برگزار کردیم. در همه محلات مشهد بساط چهارشنبه سوری و درگیری با نیروهای انتظامی و صدای ترقه و نارنجک بود. بسیجی ها با موتور ویراژ میرفتند. جوانان جلوی خودروهایی که فکر می کنند مربوط به بسیجیها است ترقه می انداختند و سپس اقدام به فرار میکردند. خیابان امام، مملو از جمعیت و مشابه به یک میدان واقعی جنگ است. جوانان می گویند: به کوری چشم آخوندها ما چهارشنبه سوری را آنطور که میخواستیم برگزار کردیم.

اورمیه

از صفحه ۵

جمهوری اسلامی زیر دست و پای ...

و آپارتاید و جداسازی جنسیتی را در هم شکستند. در پارک شرقی جوان ها (دختر و پسر) دست هم را گرفته و در حال رقص و شادی بودند که دو تا از مامورهای نیروی انتظامی آمدند و اعلام کردند که متفرق شوید که با اتحاد مردم مواجه شدند و مردم با هو کردن و شعار دادن آنها را بدرقه کردند. بار دیگر حدود ۲۰ تا پلیس همراه با تجهیزات نظامی آمدند و از مردم خواش کردند که متفرق شوند اما مردم بازهم جوابشان را دادند و مراسم ادامه یافت. در مناطق مصدق و نوبهار و بلوار طاقستان نیز مراسم با رقص و پایکوبی و شعار دادن جریان داشت. ماشین ها نیز با بوق زدن مخالفت خود را با رژیم اعلام میکردند. یک شاهد عینی به گزارشگر ما گفته است که ه یک کیوسک نیروی انتظامی در طاقستان به دست مردم به آتش کشیده شد. در نوبهار مردم تا ساعت ۱۲ شب در خیابان بودند و با مأموران سروکیر که قصد پراکنده کردن آنها را داشتند درگیر شدند. جوانان هنگام درگیری شعار میدادند مرگ بر خامنه ای. آتش بازی و ترقه و نارنجک منفرج کردن تا دیر وقت ادامه داشت.

ساری

نیروهای جمهوری اسلامی از ساعات اولیه چهارشنبه در محلات مختلف حرکت میکردند و حضور خود را به رخ مردم میکشیدند. ساعت سه شروع به رژه رفتن در سطح شهر کردند. اما علیرغم این از ساعت ۵ بعد از ظهر صدای ترقه و بمبهای صوتی و هلهله چهارشنبه سوری در شهر بلند شد. در خیابان طبرستان، فدک، پیوندی، ۱۵ خرداد، باغ سنگ، کوی گلها مراسم چهارشنبه سوری با شرکت دختران و پسران جریان یافت. پاسداران و بسیجی ها به جوانان حمله کردند و درگیریهایی صورت گرفت و شعار مرگ بر خامنه ای داده میشد. نیروهای جمهوری اسلامی با گلوله های لاستیکی و باتون به جوانان حمله میکردند. گزارشها گویای اینست که تعداد زیادی از جوانان دستگیر شده اند.

بندر انزلی

شمار زیادی از جوانان در محلات

متفرق کردن دانشجویان و مردم دست به تعرض زدند و تلاش کردند آنها را متفرق کنند. شعار مرگ بر دیکتاتور داده میشد. بنا به برخی گزارشها ۵ نفر از دانشجویان دستگیر شده اند.

بابل

جوانان با مأموران سروکیر نیروی انتظامی در خیابان نخست وزیری درگیر شدند. در این درگیری یکی از جوانان با ضربه باتون نیروهای حکومت به سرش مجروح شد. ساعت ۱۸ در خیابان نخست وزیری بابل چند دختر جوان مشغول پاره کردن عکس خامنه ای بودند که نیروی انتظامی به آنها حمله کردند ولی مردم به حمایت از این دختران وارد شده و با مأموران درگیر شدند و مأموران توانستند آنها را دستگیر کنند و صحنه را ترک کردند.

نجف آباد

جمعیت زیادی بیرون آمده بودند. اینجا هم نیروهای انتظامی تلاش کردند جلوی مردم را بگیرند اما با مقابله جدی جوانان روبرو شدند. جشن و شعار دادن پایای هم پیش میرفت. درگیریهایی در چند نقطه با مامورین جریان یافت و باعث تند تر شدن شعار علیه حکومت میشد.

در بهبهان

جمعیت زیادی در جاده قدیم اهواز تجمع کردند و با آتش زدن لاستیک و انفجار ترقه با شعار مرگ بر خامنه ای و مرگ بر دیکتاتور اعتراض خود را نشان دادند.

رشت

بیشترین تجمع در محله گلزار بود. در این محله جمعیت زیادی تجمع کرده و مأموران سروکیر نیروی انتظامی را که قصد پراکنده کردن آنها را داشتند، هو میکردند. وسیعا رقص و پایکوبی و شعار دادن جریان داشت. جوانان شعار میدادند "خامنیه ای قاتله ولایتش باطله" و "مرگ بر دیکتاتور" و شعارهای دیگر. در چند محله دیگر نیز جشن و پایکوبی و شعار دادن جریان داشت.

کرمانشاه

مراسم چهارشنبه سوری حوالی ساعت ۵ شروع شد و مردم در بسیاری از مناطق جشن گرفتند و شادی کردند

یک گزارش میگوید این چهارشنبه در تاریخ اورمیه بی سابقه بود. علیرغم حضور نیروهای سرکوب گارد یگان ویژه و بسیج و سپاه در سرتاسر شهر مردم اورمیه به صورت دسته جمعی در هر محله اقدام به روشن کردن آتش و زدن بمبهای صوتی و ترقه و قشقه کردند. تمامی فضای شهر مملو از دود بود. مردم شعار میدادند و میرقصیدند. نیروهای جمهوری اسلامی جرات درگیر شدن با مردم را نداشتند.

ایلام

ساعت نه و نیم شب در ایلام نیروی انتظامی نیروی زیادی را به میدان امام حسن برد و اعلام کرد که فرماندهی نیروی سروکیر انتظامی هم در آنجاست. در همین ساعت در میدان نماد مردم تجمع کرده بودند و نیروی انتظامی به این محل نیرو اعزام کرد درگیریهایی صورت گرفت اما جوانان به رقص و شعار دادن ادامه دادند. در میدان امام و خیابان مطهری و میدان فضل الهی و اطراف مصلی جشن و شعار دادن جریان داشت.

بوکان:

مراسم چهار شنبه سوری با شرکت بیش از ۲۰۰۰ نفر برگزار شد. خیابان ورزش که مردم آنرا چهار راه لندن نام نهاده اند، جمعیت زیادی جمع شده و به رقص و شادی و پایکوبی پرداختند. بخش زیادی از جمعیت را زنان تشکیل میدادند که به رقص و پایکوبی پرداختند و جمعیت حاضر برایشان دست زدند. تعدادی از ماموران رژیم که با لباس شخصی در میان مردم حضور داشتند مردم را تشویق به پراکنده شدن کردند که مردم واقعی ننهاند. نیروهای انتظامی و پلیس نیز جرات دخالت در مراسم را نداشتند.

ربط و سردشت

زنده باد حکومت انسانی! بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

بازتاب هفته



محمد شکوهی

"مردم از افزایش قیمت ها ناراضی نیستند؟"

محمد رضا رحیمی معاون اول احمدی نژاد در آخرین کنفرانس خبری که روز سه شنبه داشت خزعبلاتی پیرامون افزایش قیمت ها گفت و از سیاست های دولت مبنی بر هدمند کردن یارانه ها و اثرات "خوب" آن بر اقتصاد رژیم تعریف و تمجید کرد. او ادعا کرد که مردم از افزایش قیمت ها "ناراضی" نبوده و آن را یکی از نتایج اجرای طرح یارانه ها دانسته و این زودگذر می باشد! ایشان با اشاره به پیش بینی های کارشناسان اقتصادی رژیم از بالا رفتن قیمت ها بویژه تورم و گرانی مواد سوختی، تاکید کرد که این هشدارها و آمار و ارقامی که اینها (یعنی خود نهادهای حکومتی) اعلام کرده اند که گویا تورم به بالای ۴۰ درصد خواهد رسید و قیمت مواد سوختی ۴ برابر خواهد شد، زیاد واقعی نیست! وی در ادامه گفت که قیمت ها افزایش یافته ولی نه آنقدر که این کارشناسان اعلام کرده اند. قیمت مواد سوختی اگر چند برابر شده دلیلش این است که درآمدهای حاصل از افزایش قیمت سوخت به دهک های پائین پرداخت خواهد شد! در تکذیب این اظهارات جناب رحیمی وزیر نیرو اعلام کرد که قیمت گاز و برق با و بدون اجرا شدن طرح یارانه ها افزایش خواهد داشت. در همین حالا جنگ و دعوای دار و دسته های حکومتی پیرامون این موضوع ادامه داشته و هر یک آن دیگری را مسئول این وضعیت می داند. اینها به ما ربطی ندارد. واقعیت این است که گرانی و تورم بیدار می کند. دولت احمدی نژاد و خامنه ای که با شعار "مهار قیمت ها" و سرو سامان دادن به وضعیت اقتصاد نابسامان و آوردن نفت بر سر سفره مردم مدت نزدیک به ۵ سال است که مدام وعده و وعید پوچ به مردم می دهند. مسئول این همه گرانی و تورم در درجه اول دولت می باشد. این دولت است که در مقام تعیین کننده اقتصاد و سیاست در چهارچوب قوانین ضد انسانی اسلامی ادعای "آداره کردن جامعه" را دارد. دولت هر ساله با داغ

برای خودشان دست و پا کرده اند. خامنه ای رئیس دزدان حکومتی است. احمدی نژاد و ماشین دولتی که وی در راس آن قرار دارد، یک بنگاه مافیایی اقتصادی است که پول و ثروت دزدی شده و غارت شده از قبل کار اکثریت آحاد کارکن جامعه را مدیریت می کند. دولت اینها دولت سازماندهی دزد ترین و حریص ترین سرمایه دارن و تحمیل فقر و فلاکت به مردم در کنار اختصاص دادن پولهای هنگفت و میلیاردهای دم و دستگاه و ماشین سرکوبگرشان است که مرگ تدریجی را برگرداند اکثریت مردم ایران حاکم کرده است. مشتی جانی و آدمکش و شکنجه گر، دزد و تروریست را که کارشان فقط و فقط سرکوب مردم و دزدی می باشد، تحت عنوان دولت بر سرکار آورده اند که هم و غمش حفظ ضد انسانی ترین شکل سرمایه داری و تحمیل فقر و فلاکت به مردم می باشد. کارگران و مردم پاسخشان را به این جانیان داده اند. پیا خاسته اند تا کل این ماشین جنایت و چپاول را در هم بشکنند و زندگی انسانی را با انقلاب خویش تامین کنند.*



سیامک بهاری تنش بی سابقه در روابط امریکا و اسرائیل

حوادث هفته گذشته در تاریخ روابط امریکا و اسرائیل استثنایی است! برای اولین بار در تاریخ منافع بهم تنیده این دو کشور، دولت امریکا، سفیر اسرائیل در این کشور را فراخواند و مراتب نگرانی خود را از ادامه شهرک سازی و احداث هزار و ششصد واحد مسکونی برای ساکنین یهودی در منطقه "رمت شلومو" در شرق بیت المقدس و اعلام آن به هنگام بازدید "جو بایدن" از اسرائیل رسماً اعلام کرد. هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه امریکا هم به این رفتار اسرائیل شدیداً اعتراض کرد و وزارت خارجه امریکا گسترش خانه سازی برای اسرائیلی ها در بیت المقدس شرقی را مانع جدیدی در راه از سرگیری روند صلح خاورمیانه دانست. جرج بایدن این اقدام را توهین آمیز خواند و جورج میچل فرستاده ی ویژه ایالات متحده سفر خود به اسرائیل را به تعویق انداخت. بلافاصله بعد از پیام علنی هیلاری کلینتون، نماینده اتحادیه اروپا هم اقدام اسرائیل را بشدت

حقیقت چیست؟! چه چیز جدیدی باید این چنین روابط عمیق امریکا و اسرائیل را دچار تشنج کند؟ پس از جنگ شش روزه در ۱۹۶۷ که بخش شرقی بیت المقدس به اشغال اسرائیل درآمد، حدود چهل و دو سال است که روند اشغال و خانه و شهرک سازی در همه سرزمینهایی که اسرائیل به اشغال خود درآورده است ادامه دارد. حملات خونین ارتش اسرائیل به مناطق فلسطینی و جنگ و مناقشه شصت و یک ساله در منطقه خاورمیانه مگر بر سر چه بوده است که امروز ساختمان سازی در شرق بیت المقدس باید چنین پیامدی داشته باشد؟! این چه اتفاق خارق العاده ای است؟! این رنجش سیاسی چقدر جدی و قابل تأمل است؟! از فردای بر سرکار آمدن بنیامین نتانیاهو و شکست حزب کادیما در انتخابات پیشین، و تشکیل دولت ائتلافی مرکب از جریان راست افراطی، نگرانی جدی ای در تنظیم مناسبات اسرائیل و امریکا مساله جدی دو دولت بوده است. مهار جریانات راست افراطی و سیاستهای زمخت آنان نظیر حزب لیکود، حزب مذهبی و قومگرای شاس و حزب اسرائیل بیت نهو (اسرائیل خانه ماست) و لاینحل ماندن مسله فلسطین، بی ثباتی در منطقه خاورمیانه و دست اندازی جمهوری اسلامی و تهدیدات قدرت هسته ای آن، تحریک و تقویت جریانات تروریستی اسلامی درمنطقه و زنه سنگینی به پای سیاست خارجی امریکا و تعادل سیاسی آن در منطقه بسته است. روند مذاکرات صلح از ده سال قبل عملاً متوقف شده، پس از حضور نظامی امریکا در منطقه و حمله به عراق موقعیت امریکا نیز دچار تغییرات جدی شد. اکنون نیاز به صلحی پایدار اموری جدی برای تامین منافع استراتژیک امریکا است. صلحی که منافع اسرائیل را بعنوان متحد شماره یک امریکا در منطقه همچنان درکنار امریکا قرار دهد. اما سیاستهای زمخت احزاب حاکم در اسرائیل، با تعادل سیاسی امریکا در منطقه و روابط حساسش با کشورهای عربی و اصطکاک با جمهوری اسلامی ایران که تلاش دارد هر طور شده یکطرف دعوا بحساب بیاید در تضاد است. نه برای کشورهای عربی و نه جمهوری اسلامی و نه ایالات متحده امریکا، ذره ای منافع مردم فلسطین و پایان دادن به مناقشه بیش از شش دهه در منطقه خاورمیانه مطرح نیست!

بازتاب هفته

خانه بزرگان در عزا

یاشار سهندی

"خبر ندارید در خانه بزرگان چه خبراست؟ آقای مسعود بهنود مانند یک "خبرنگار با وجدان" که کارش فقط پرسه زدن در اطراف "خانه بزرگان" است این خبر را منتشر کرده است. و دلش برای مشاور احمدی نژاد (یعنی جناب کلهر) لرزیده. همین خبرنگار محترم، ما را از خانه این بزرگ خبر دار کرده است که به ویرانی نشسته است (کذا!!). اما همه اینها در پی باز هم داستان عبرت آموزی که ایشان سر هم کرده است تا چنین نتیجه گیری کرده باشد که اندک اندک جمع مستان در انتخابات بعدی میرسند و ایشان دعا کرد که خدا عقل در سر بزرگی مانند جنتی بیندازد که رای مردم را بخواند. ایشان نه تنها دلش به حال بزرگی مانند کلهر لرزیده است در اوج آسودگی وجدان بر تمام خشونت جمهوری اسلامی چشم پوشانده و کسانی که به گفته ایشان "خشونت را وارد صحنه کردند" (یعنی مردم انقلابی) را در کمال شرف (!!) و آسودگی خیال یا کوکلاس کلانها مقایسه کرده است که میخواهند جامعه را "لینچ" کنند. در مورد یک همچنین "کارشناس بی طرف" که به راحتی سیاه را سفید جلوه میدهد چگونه باید قضاوت کرد؟ خوانند خود قضاوت کنند.

باید اما یک چیز را اعتراف کرد که ایشان در اینجا صادقانه یک موضوع را اعتراف کرده است که آنچه جنبش سبز خوانده میشود "جنبشی است در داخل مجموعه جمهوری اسلامی با همه ضوابطش، به قصد پاک کردن بدعهدی

محله زنجیر

(گزارشی کوتاه از محله ای فقیر نشین در خوزستان که توسط یکی از خوانندگان انترناسیونال ارسال شده) شیدا نجیب زاده (ایران)

نام: محله زنجیر. آدرس: ایران - خوزستان - ماهشهر - محله زنجیر * (شهر رجائی) محله ای فقیر نشین در دل شهری مملو از ثروت بیکران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی. مردم این محله بمانند سایر محلات فقیر نشین این شهر بندری و یکی از مراکز مهم صنعت پتروشیمی در ایران و منطقه، در فقر و فلاکت سرمایه

بلکه از جانب مردمی که با وجود همه خشونت سازمان یافته چه به شکل زندان و شکنجه و تجاوز و اعدام و چه به شکل قوانینی که استثمار هر چه بیشتر توده مردم تهیدست را تضمین میکنند (امثال ایشان اصلا این موضوعات را خشونت نمی دانند بلکه حداکثر قوانینی میدانند که بد نوشته شد و یا بد اجرا میگردد) اما کوتاه نیامدند.

چهارشنبه سویی در "خانه بزرگان" عزا بود. اما در کوی و برزن انسانهایی که در هفت آسمان خدا یک ستاره هم ندارند شادی برقرار بود. برای چند ساعت شاید مردم ایران نشان دادند اگر کسی سیخ توی چشمانش نکند، اگر کسی زندگی شان را گرو نگیرد، اگر احساس کنند که آزاد هستند که هر گونه میخواهند در کوی برزن خود را به نمایش بگذارند نه از خشونت خبری است نه نیروی نظامی لازم است که نظم را میانشان برقرار سازد. در محله ما بسج در آماده باش در مسجد محل، مانند کفتارهای برایشان متأسف شدم که جمعیتی رقص کنان می آمدند و میرفتند، از ماشین های صدای موسیقی آسمان خدا را به لرزه درآورد بود اما اینها در تاریکی در گوشه ای جمع شده بودند و حتی خود را از نور و آتش دریغ میداشتند. ایشان در محاصره موسیقی و رقص خود را نابود شده حس میکردند. اما مردمی شادمان بی توجه به ایشان و گشتهایی که مرتب می آمدند و میرفتند میزدند و میرقصیدند و بعضاً، می هم زده بودند. هر چند هنوز دختران ما شاهد رقصیدن پسران ما بودند و پسران ما در حسرت اینکه با دختری برقصدند. مانند پرنده ای که جفت خود را می جوید خود را بر در و دیوار میزند. اما آنجا که ماشین از دور صدای موسیقی اش

خوانده ها) . تا چندی قبل مردم بعثت تنگدستی و عدم امکان خرید اشتراک برق، عموماً از انداختن یک رشته کابل (قلاب کردن) به سیمهای برق سر خیابان و یا کوچه، برق خانه هایشان را تأمین میکردند ولی اخیراً اداره برق به کمک نیروی انتظامی مردم را مجبور به نصب کنتور برق نموده است که دولت بتواند هزینه برق مصرفی شان را از آنها اخذ نماید. هفته گذشته مسجدی در این محله شبانه به آتش کشیده شد. داستان از این قرار بود که اداره مسجد توسط اهالی منتسب به بندری صورت میگرفت. در میان مردم این محل، بر سر اداره مسجد اختلاف میافتد و ظاهراً چون تعداد نمازگزاران این مسجد اکثراً عرب زبان هستند و چون آذان بطور

تنش بی سابقه... از صفحه ۷

تشنج کنونی بر سر عدم قبول طرحهای آمریکا و دولت باراک اوباما است. تلاش آمریکا برای ازسرگیری روند مذاکرات صلح و سفرهای ممتد جرج میچل وملاقات با روسای دولت فلسطین و آماده کردن کشورهای عرب منطقه برای پذیرش طرح آمریکا و تثبیت دو کشور فلسطین و اسرائیل و قبولاندن آن به مردم فلسطین که دیگر تاریخ برای بازگشت به خانه و کاشانه شان سپری شده با شلنگ تخته انداختن دولت بنیامین نتانیاهو و سروشاخ شدن مداوم با مردم فلسطینی ساکن دیوار حایل و تحریمات قومی و مذهبی احزاب راست افراطی جور در نمی آید. حل مسله فلسطین بی تردید راهی جز پذیرش حقوق حقه مردم

حضورش را اعلام میکرد وقتی به جمع بسیجیان که در تاریکی در مسجد جمع شده بودند دختران و پسران داخل آن ماشین چنان به خود تکان میدادند که ماشین را به هر سوی میکشاند. و جیغ سرخوشانه دختران داخل ماشین صاعقه ای را می مانست که بر سر آن جمع در تاریکی جمع شده، فرو می آمد. مسعود بهنود و امثالهم این سرخوشی را برنمی تابند چون اگر قرار باشد همه سرخوش و شاد باشند دیگر بزرگی نیست که ایشان خبرنگار داخل خانه ایشان باشند یا نصیحت شان کند که: فلان شازده با رعیت مهربان بود و نام نیکش در تاریخ ماند و از دیگری به پستی یاد میشود گیرم که از "تصمیم سازان" به نام بود. ایشان مثال میر حسین موسوی را میزند و مدعی است که نام میرحسین به نیکی یاد میشود. کار مسعود بهنودها همین است که

مرتب و سر موقع پخش نمیشود، بنابراین مسجد باید توسط اهالی عرب زبان اداره شود. در حالیکه مردم بندری ادعا داشتند که این مسجد از ابتدا توسط خدشان اداره شده است. خلاصه اینکه برای حل و فصل این دعوا بازرسی به محل اعزام میشود و در ادامه اعزام نماینده ای از مرکز استان (اهواز) و تشخیص این نکته که تعداد نمازخوان بندری در این مسجد خیلی کم بوده است، لذا اداره مسجد به اهالی عرب زبان واگذار میشود. آتش زدن مسجد نیز درست بعد از این اتفاق صورت میگردد. به اعتقاد برخی از مردم، ممکن است به آتش کشیده شدن مسجد ریشه در این اختلافات داشته باشد. ولی نکته مهم و اساسی در این

فلسطین و بازپس دادن سرزمینها و برگزاری رفراندومی آزاد برای تعیین حق سرنوشتشان ندارد. این راهی است که دولت اوباما نمیخواهد ببیماید و ناچار باید با فاکتور گرفتن از منافع تاریخی و حقیقی مردم فلسطین، با بنیدبازی بین دولتهای منطقه و اسرائیل، اهداف دراز مدت خود را درمیان طوفانی از تلاطم و بحران پیش ببرد. این حقیقت را ژنرال چهار ستاره ارتش ایالات متحده "یوید پترائوس"، فرمانده نیروهای آمریکا در خاورمیانه و آسیای مرکزی بی پرده بیان میکند. او خواستار جلوگیری فوری از تداوم تنش دولت متبوعش با اسرائیل است و این تنش را برای تأمین منافع استراتژیک آمریکا در منطقه خطرناک میداند.*

ماله بکشد بر هر چه جنایت و خشونت سازمان یافته امثال موسوی است و او را صلح دوست و مردم مدار بخوانند. اما جنبشی که واقعا در ایران در جریان است میخواهد به داستان بزرگی و کوچکی پایان دهد. به داستان جنایت سازمان یافته پایان دهد. این جنبش مستان عاشق نیست که به مقصد رسیدن یا نرسیدن مهم نباشد و یا مقصد همانجا باشد که ایستاده اند. بلکه این جنبش انسانهای واقعی است که آزادی را برای همه و همین امروز می خواهد نه صد سال دیگر که هیچ وقت نخواهد رسید. مقصد این جنبش ایستادن در حال، آن هم حالی که با جمهوری اسلامی بگذرد، نیست بلکه آینده ای را میخواهند که به قول شاعر که کمترین سرود بوسه باشد. زنده باد آزوز*

دوره از تاریخ اجتماعی ایران، اینست که در میان مردم دیگر، مسجد از هیچگونه قداستی برخوردار نیست. مسجد به آتش کشیده میشود، قرآنها میسوزند و مردم با خونسردی بهمیدگر نگاه میکنند و به این نکته اشاره میکنند که دیگر قرآنها هم اثر چندانی ندارند، در حالیکه در زمانهای چندین دور اعتقاد بر این بود که قران کمر سوزاننده آترا میشوند !!!! جدا از این آنها که آگاهترند تلاش میکنند به این نفاق ها و تفرقه ها که ریشه در فقر و محرومیت مردم و بر متن آن تفرقه قومی و نقش مذهب و مسجد دارد پایان بخشد و سرنوشت مشترک مردم محروم را به آنها نشان دهند.*

وصله ای ناجور بر پیکر جوامع امروز

افسانه وحدت



روز ۹ مارس خبر دستگیری ۷ نفر از اسلاميون در ایرلند و همچنین محاکمه يك زن مسلمان آمریکایی مظنون به برنامه ریزی برای قتل لارش ویلکس کاربیکاتورست سوئدی در سطح وسیعی در جهان مخابره شد.

نزدیک به دو هزاره است که مذهب به جوامع انسانی خون پاشیده است. امروز در قرن ۲۱، بیخدايان و منتقدان مذهب دوباره فتوای مرگ میگیرند. تناقض جهان امروز شگفت انگیز است. با فشار يك دكمه میشود حجم عظیمی از اطلاعات را به تمام دنیا فرستاد. رشد سرسام آور علم و تکنولوژی، پرتاب سفینههای تحقیقی فضایی به سیارات دوردست، اختراعات عظیم علمی، ساختن روبات هایی که جای انسان را در صنعت گرفته اند همه دال بر این است که بشر میبایست قرنهای از مذهب، جهل و خرافه فاصله گرفته باشد. با اینهمه پیشرفت بایستی همه انسانها مرفه و در آسایش زندگی میکردند، میبایست دست درازی مذهب به زنان قطع میشد. اما چنین نیست. با عروج اسلام سیاسی در سه دهه گذشته، بساط وحشیگری و قوانین خدا شریعت و خرافات يك بار دیگر رونق گرفت. در کنار تصویر مدرن جهان تکنولوژی، شاهد آن هستیم که مذهب در قدرت آسایش و امنیت را از انسانها سلب کرده است. در قرون وسطا قوانین مسیحیت، تفتیش عقاید، جنگهای صلیبی، سوزاندن دانشمندان و آزاداندیشان و زنهار، بعنوان ساحره و جادوگر، زندگی انسانی را از مردم سلب کرده بود و اکنون در قرن ۲۱ ضد علمیترین و پوچترین احکام و احادیث مذهبی بر زندگی بخشهای بزرگی از مردم در دنیا حاکمیت یافته. سنگسار زنان، قطع دست و پا، قصاص و صدها جنایت، کشتار و خونریزی از جمله دستاوردهای قوانین شریعت و حاکمیت اسلام برای بشریت مدرن و مایه اختناق، بی حرمتی و تحقیر انسانهاست. بعد از عصر رنسانس فرهنگی و جنبش روشنگری در قرن ۱۸ مردم اروپا مذهب را از زندگی مردم بیرون و به صومعه ها و کلیسا ها راندند. علیه آن قانون وضع

کردند و دستش را از سیاست و آموزش و پرورش قطع کردند. اما نظام سرمایه داری همیشه برای جلوگیری از بقدرت رسیدن و عروج جنبش اعتراضی و چپ، ومقابله با اعتراضات کارگران و مردم محروم جهان و تقویت و تحکیم سلطه خود، دست به انبان مذهب برده است. هر جا لازم دیده آن را مانند هیولا بجان مردم انداخته است. سرمایه داری غرب در تقابلش با بلوک شرق طی دوران جنگ سرد به مذهب پنگ انداخت. طالبان را خلق کرد و قدرت داد، خمینی و حکومت اسلامی را با دسیسه برای جلوگیری از چپ و رادیکالیزه شدن انقلاب ۵۷ از گور بیرون کشید و روی کار آورد تا انقلاب مردم را به شکست بکشاند. در طی این سه دهه راست ترین جناحهای بورژوازی وسیعترین تبلیغات مذهبی را به راه انداختند. واقعیت اینست که بقاء یا احيای مذهب بهیچ وجه دلیل ایدئولوژیک و اعتقادی در این قرن ندارد. بلکه ریشه در مصالح يك اقلیت مفتخور حاکم دارد که برای حفظ قدرت و ثروت و نظام خود جانوران عهد عتیقی را با زور و ضرب دولتی به جان مردم انداخته است. روی کار آمدن اسلام سیاسی نیاز سیاسی و منافع غرب و طبقات حاکم بود نه به دلیل مسلمان بودن مردم. کشتار و ایجاد رعب و فضای آزار و وحشت تقلاي جنبشی بی ریشه و بی ربط به مردم جهان امروز برای زنده ماندن است. برای نمونه در جمهوری اسلامی مثل هر جای دیگر که اسلام و سازمانهای اسلامی قدرت دارند، از جمله مردم را به جرم اعتقاد به مذاهب دیگر مثل یهودیت و بهائیت مورد اذیت و آزار، شکنجه و زندان قرار میدهند، تهدید می کنند و به جرم انتقاد از اسلام فتوای قتل صادر میکنند و کسانی که به خدا اعتقاد ندارند را اعدام میکنند. بعد از بقدرت رسیدن حکومت اسلامی در ایران خمینی فتوای قتل سلمان رشدی را صادر کرد. بعد از آن تعداد بسیاری از نویسندگان، آزادیخواهان، منتقدین و هنرمندانی که انتقادی از اسلام کردند به مرگ تهدید شدند و فتوای قتلشان توسط سازمانها و حکومت های اسلامی صادر شد. لارس ویلکس هنرمند و نقاش مشهور

سوئدی هم که در سال ۲۰۰۷ کاریکاتورهای محمد پیغمبر اسلام را به شکل سگ کشید بارها توسط اسلامی ها تهدید به مرگ شد و فتوای قتلش صادر شد. در آن زمان ما در سازمان اکس-مسلم در دفاع از آزادی بیان از لارس ویلکس حمایت کردیم. این اقدام را به شدت محکوم کردیم و از همه آزادی خواهان و سکولارست ها دعوت کردیم که در جبهه مبارزه علیه اسلام سیاسی صف خود را فشرده تر و گسترده تر کنند. لارش را به سمیناری در دفاع از آزادی بیان دعوت کردیم که بسیار جنجالی شد و باعث بحث و گفتگوی گستردهای در باره اسلام سیاسی و آزادی بیان در مدیا شد. ولی واکنش دولتهای غربی از جمله سوئد به این مساله ادامه مماشست با صادر کنندگان حکم قتل لارس ویلکس بود. قاتلین حاکم بر ایران را بارها پس از این حکم به سوئد دعوت کردند. با وجود اینکه اعمال جنون آمیز تروریستی در نقاط مختلف دنیا، غرب را که خود بانی پیدایش طالبان و ترریستهای اسلامی بود منتهاست که به شدت نگران کرده، ولی هنوز برای تروریست ها و حکومت ایران فرش قرمز پهن میکنند. هنوز تروریست های اسلامی از جمله حکومتیان در ایران را به برنامه های مختلف فرهنگی و سیاسی دعوت میکنند و با جنایتکاران و اعدام کنندگان کودکان دست دوستی میدهند. اما با وجودی که قوم پرستی، بازگشت مذهب، سودجویی، میلیتاریسم و ترریسم در جهان بیداد میکنند، با اینکه تروریست های اسلامی خونبارترین صحنه های تاریخ بشریت را بوجود آوردند ولی توانسته اند و نخواهند توانست مردم را مرعوب کنند. ارتجاع مذهبی جایی در این قرن ندارد و در بهترین حالت در گوشه ای منزوی خواهد شد. صف مقاومت در برابر ارتجاع در کشورهای مختلف شکل گرفته و فعال شده است. جهان متدین ملو از خشم از پر و بال دادن به اسلام سیاسی، از سر کار آوردن طالبان و قدرت دادن به جمهوری اسلامی است. مردم خشمگین از ۳۱ سال سرکوب و انسان ستیزی حکومت اسلامی، خشمگین از دیدن صحنه های جنگ انسانیت با بربریت، صحنه های دلخراش از تپش افتادن قلب ندا، از گلوله زدن به سینه اشکان، از اعدام دلارا، بهنام، بهنود... در ایران به میدان آمده اند. نیرویی که

ازادیخواه است و علیه دخالت مذهب در ارکان جامعه است، برای خلع ید مذهب مبارزه میکند و به دنبال يك رنسانس و روشنگری فکری در تمام دنیاست. این جنبش با اهداف انسانی

و مدرن و پیشرو خود از هم اکنون دارد. سیمای آینده جهان را ترسیم میکند. جهانی آزاد و بدون دخالت ارتجاع مذهبی در زندگی مردم.*

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

کمک مالی واحد حزب در دالاس ۳۶۰ دلار
عباس ایاق ۱۱۰ دلار
بهزاد ۷۰ دلار
سمیر نوری ۳۵ دلار

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هرمقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany, Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank
4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N
شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green, Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779

BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:
از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عیسی گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

در مورد دستمزد

از صفحه ۱



تومان تعیین شد. البته ۴۸ تومان را هم ضمیمه کرده اند که بگویند خیلی دقیق کار شده و دستمزد ها پانزده درصد افزایش یافته است. یعنی پانزده درصد به میزان حداقل دستمزد سال گذشته، یعنی ۲۶۴ هزار تومان اضافه کرده اند و ظاهرا به زعم خود سخاوت هم نشان داده اند. البته شاید هم واقعا سخاوتی شده باشد، چون این حکومت دزد و فاسد اشتهای سیری ناپذیری در سرکیسه کردن کارگران و کل جامعه دارد. شرم بر این جنایتکاران! اما کارگران این را نمی پذیرند. این را خودشان هم میدانند و از همین رو هنوز جوهر قلمشان در نوشتن مصوبه میزان حداقل دستمزدها برای سال ۸۹، خشک نشده است که کشاکش هایشان از ترس بر پا شدن اعتراضات کارگری و بقول خودشان شورش گرسنگان بالا گرفته است. اینها خوب میدانند چه آشی برای کارگران پخته اند. فقط یک قلم گوشت قرمز کیلویی بیش از چهارده هزار تومان است. قیمت گاز هم که اعلام کرده اند گران خواهد شد. از لحاظ بهداشت و درمان هم که بر روی دست همه آبی پاک ریخته و از قبل گفته اند که وضع در سال آتی بدتر خواهد شد. طرح یارانه هایشان هم که حد و حسابی برای گرانی و رشد قیمت ها نگذاشته است، بنابراین روشن است اوضاع از چه قرار است. خودشان دارند از خط فقر ۹۰۰ هزار تومان و یک میلیون و یک میلیون و نیم سخن میگویند و با وجود این میزان حداقل دستمزد را با بی شرمی تمام ۳۰ هزار تومان تعیین کرده اند. مبنایشان هم برای محاسبه حداقل دستمزد سال ۸۹، ۲۶۴ هزار تومانی است که سال گذشته برای سطح دستمزدها تصمیم گرفته بودند. رقمی که در همان سال گذشته کارگران در مقابلش با طوماری مبنی بر خواست در گام اول یک میلیون تومان حداقل دستمزد، ایستادند و از جمله طوماری که از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران به جریان افتاد بیش از ۲۵ هزار امضا گرد خود جمع کرد. تصمیمی که هیچ ارتباطی با نرخ تورم و زندگی کارگران ندارد و اساسا در هیچ سالی دستمزد تعیین شده از سوی دولت ارتباطی به قیمت کالاها در بازار و هزینه زندگی کارگران و کل جامعه نداشته است. در طول سی و یک سال حاکمیت این رژیم

این خود بخش مهمی از تهاجم این رژیم توحش سرمایه به زندگی کارگران و کل جامعه بوده است.

بدین ترتیب حضرات "شورای عالی کار" جمهوری اسلامی با تعیین ۳۰۳ هزار تومان بعنوان حداقل دستمزد برای سال ۸۹، با گستاخی و جنایتکارانه به چشم میلیونها خانواده کارگری و کل جامعه نگاه کردند و رای به گرسنگی بیشتر کشاندن بیشتر کارگران و کل جامعه دادند. اما بخاطر ترس از اعتراضات کارگران، بهانه ای هم چاشنی اعلام این تصمیم جنایتکارانه شان کردند. بهانه آوردند که پرداخت دستمزد بیش از این برای جنابان کارفرما مقرون به صرفه نیست و بیکارسازیها گسترش خواهد یافت. این بهانه را می آورند تا بلکه با گرفتن چماق بیکارسازی بر سر کارگر، جلوی اتحاد کارگران برای خواست افزایش دستمزدها و علیه این تصمیم جنایتکارانه شان را بگیرند. به یک اعتبار هم درست میگویند. افزایش دستمزد هیچگاه به سود کارفرمایان نیست. چرا که سودهای میلیاردری این حضرات که البته بخش اعظم سرمایه گذارها نیز در دست خود سران حکومت و اقازاده ها و انگلهای حکومتی است، باید تضمین شده پا برجا باشد. بنابراین هر قرانی افزودن بر دستمزد کارگران سود این جنابان را به خطر می اندازد. بگذاریم که با وجود دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر نیز همین الان ۹۰۰ هزار کارگر بخش صنایع برق در خطر بیکارسازی هستند، چون دولت بدهی ۵ میلیاردری خود را نپرداخته است و این قلم کوچکی از دزد هایشان بوده است که دارد دودش به چشم کارگر میرود. جمهوری اسلامی بطور واقعی به سیم آخر زده است. بساط غارت و دزدی ای که به پا کرده اند، آشفته بازاری شده است که خودشان را هم به جان هم انداخته است و دارند سر یکدیگر را نشانه میروند. از سوی دیگر از جنبش انقلابی مردم و از گامهای سنگین کارگران که دارند به جلو بر میدارند وحشت کرده و به هذیانگویی افتاده است. واقعیت اینست که بحران سیاسی و شرایط انقلابی جامعه، چرخهای اقتصاد رژیم را کاملا فلج

کرده است و در برابر به تعطیلی کشیده شدن کارخانجات، پولهای کلانشان را با شتاب از ایران خارج کرده و در حسابهای بین المللی انباشته میکنند. وامهای کلان به صاحبان سرمایه داده میشود تا جلوی تعطیلی کارخانجات گرفته شود، اما این وامها خود در آمدی بآورد و مالکان و صاحبان کارخانجات تبدیل میشوند و سر از حسابهای کلانشان در خارج کشور در میآورد و اوضاع را وخیمتر میکنند. در مقابل اعتراضات گسترده تر میشود و دولت برای اینکه چند صبحی دیگر برای خود وقت بخرد ناگزیر است باز به پرداخت بخشی از طلبهای کارگران گردن بگذارد. خلاصه دور تسلسلی است که این حکومت در آن میچرخد و می پیچد و جامعه ای در مقابلش ایستاده است و حلقه محاصره برایش هر روز تنگتر میشود. بدین ترتیب داستان بر سر یک جنگ است. داستان بر سر انقلاب مردم در برابر یک رژیم جنایتکار و دزد و فاسد است. اینها آشکارا و با همان رندی و بی حیایی آخوندیشان به چشم جامعه نگاه میکنند و دروغ میگویند. اما لب مساله همانطور که اشاره کردم اینست که باید سید هزینه کارگر را چلاند و او و خانواده اش را در تباهی و فلاکت مطلق نگاهداشت تا کاههای عظیم سرمایه داری برافراشته بماند و پولهای کلان میلیاردری به حسابشان سرریز شود. دعوی اصلی اینجاست. این را کارگران نمی پذیرند. این را کل جامعه نمی پذیرد. کاههایشان را بر سرشان خراب میکنند.

تقرری سراسری با صفی متحد

امروز جامعه به وضع بیسابقه ای به فقر و فلاکت و بی مسکنی و بی تأمینی مطلق کشیده شده است. این وضعیتی است که علت و ریشه اصلی و واقعی انقلاب جاریست. از همین رو میزان دستمزدها و گرانی و تورم آن جاییست که مبارزات کل جامعه را به هم گره میزند و در دل انقلاب جاری، اوضاع جامعه را به حالت انفجار در خواهد آورد. اما نه یک انفجار کور و ناروشن. نه یک عصیان آبی بلکه انفجاری که کارگران از قبل بیانیته ها و منشورهای مطالباتشان را داده اند. شوراهای موقت و در واقع هیات های موسس شوراهایشان را تشکیل داده اند. اعلام کرده اند که دستمزد کمتر از یک میلیون را نمی پذیرند. اعلام کرده اند که زندگی انسانی حق مسلم

آنهاست و اولتیماتوم داده اند که اگر میزان حداقل دستمزدها کمتر از خط فقر اعلام شده دولت یعنی ۹۰۰ هزار تومان باشد، حق خود میدانند که عکس العمل مناسب و متحلی نشان دهند. تصمیم دولت بر سر تعیین ۳۰۳ هزار تومان بعنوان حداقل دستمزدها برای سال آتی را باید در دل این جنگ و کشاکش دید. در دل اوضاع انقلاب و صف بندی کارگران و کل جامعه در مقابل این جنایتکاران دید. در چنین شرایطی باید صف اعتراضات را قویتر و متحدر کنیم. با متحد شدن حول خواست افزایش دستمزدها در گام اول یک میلیون تومان، تعرضی سراسری را شکل دهیم. درست است که خط فقر رقمی بسیار بالاتر از اینست، اما این حرکتی در ادامه جنبشی است که در دو ساله اخیر بویژه برای خواست افزایش دستمزدها براه انداختیم. طومار ها جمع کردیم و امسال با اعلام اعتصابات سراسری، با فشار آوردن برای پرداخت فوری همه طلبها و دستمزدهای پرداخت نشده مان و با خواست افزایش فوری دستمزدها حداقل یک میلیون تومان، مبارزاتمان را میتوانیم گامی به جلو تر ببریم. برای پیشبرد متحد این مبارزات از تجربه کارگران ذوب آهن اصفهان بیاموزیم و شورای موقت خود را اعلام کنیم. بیانیته بدهیم و اعلام کنیم که منشور مطالبات حداقل کارگری که توسط کارگران ۴ مرکز مهم کارگری داده شده، است. مطالبات ما کارگران در مراکز مختلف کارگری نیز هست و تاکید کنیم که اول همه طلبهایمان را از حلقوم شما دزدان بیرون خواهیم کشید و دستمزدهای پرداخت نشده مان باید فوراً پرداخت شود. ثانیاً حداقل دستمزد باید یک میلیون تومان باشد و به رقمی پایین تر از این تن خواهیم داد. و با اعلام اعتصابات اختطاری، قدرتمند و متحد به جلو گام برداریم. اجازه ندهیم که چنین در مورد زندگی و معیشت ما تصمیم بگیرند و تحقیرمان کنند. اعلام کنیم که دیگر بس است. اجازه نمیدهیم بیش از این سرنوشت ما و فرزندانمان را رقم بزنید. حق ما خط فقر نیست، حق ما زندگی ای انسانی و شایسته بشر است و امروز در گام اول به دستمزد کمتر از یک میلیون تومان رضایت نمیدهیم.

اعلام کنیم که ما با شوراهایمان و با صفمان متحدمان جلو می آییم و به کل این بربریت پایان خواهیم داد. در شرایطی که گرانی بیداد میکند و زندگی کل جامعه به تباهی و نابودی کشیده شده است، بدون شک مبارزات ما کارگران به حمایت وسیع جامعه روبرو خواهد بود. با کشاندن مبارزاتمان به خیابانها، به همراه خانواده هایمان و به همراه همه مردم محروم صف قدرتمندی از اعتراض و مبارزه علیه این رژیم خط فقر را شکل دهیم. اجازه ندهیم که چنین نان شبمان را به گرو بکشند و ما را برای گرفتن دستمزدی که برایش روزها و ماهها کار کرده ایم سر بدهانند. خودشان میگویند که در بخش اعظم مراکز کارگری، کارگران با معضل دستمزدهای پرداخت نشده روبرویند. در همه جا سراسری اعلام کنیم که دستمزدهایمان را از حلقومتان بیرون میکشیم و در شهرهای مختلف و در سطح سراسری به تدارک اعتصابات قدرتمند برویم و طلب هایمان را نقد کنیم. اجازه ندهیم که کارگران معترض و رهبران محبوب ما را بخاطر مبارزه برای خواستههای برحقمان به زندان ببرند و پای میز محاکمه بکشانند. اعلام کنیم که کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند. بساط شوراهای اسلامی و خانه کارگر، این پادوهای دولت و کارفرما در کارخانجات را جمع کنیم و تشکل های خود، هیات های موسس شوراهایمان را اعلام کنیم و دورش جمع شویم و مجامع عمومی منظم خود را هر هفته تشکیل دهیم و آنجا را به محل تصمیم گیری و ستاد اصلی رهبری مبارزاتمان در کارخانه تبدیل کنیم. در یک کلام تعیین ۳۰۳ هزار تومان بعنوان میزان حداقل دستمزد برای سال آتی یک تهاجم وسیع به میلیونها خانواده کارگری و کل جامعه است. اعلام کنیم که به این بردگی تن نمیدهیم و در برابران می ایستیم. این صدای اعتراض کل جامعه است، حول خواست افزایش دستمزدها فوری و در گام اول یک میلیون متحد شویم. به تدارک اعتصابات سراسری برویم. *

انقلاب انسانی برای حکومت انسانی!

رهبری اتحادیه کارگران ترانسپورت نروژ در دیدار با هیئت کمیته همبستگی بین المللی کارگری:

در مارش جهانی روز کارگر وضعیت کارگران ایران

را مورد توجه قرار خواهیم داد!

است از مسئولین اتحادیه کارگران ترانسپورت نروژ خواستند که به کمپین همبستگی با کارگران ایران ادامه دهند. اولین و مهمترین خواسته هیئت این بود که اتحادیه های کارگری نروژ از سازمان جهانی کار قاطعانه بخواهند که نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی ایران بعنوان نمایندگان یک رژیم تماما ضد کارگزار این سازمان اخراج کنند. در این رابطه نامه کمیته همبستگی که قبلا خطاب به اتحادیه های کارگری سراسر جهان نوشته شده بود ارائه شد.

موضوع دیگری که مورد بحث قرار گرفت و از اتحادیه کارگران ترانسپورت درخواست شد اعتراض به جمهوری اسلامی بدلیل ادامه باز داشت فعالین کارگری و منجمله

فعالین کارگری را شدت بخشیده است. در این بخش به وضعیت کارگران زندانی از جمله منصور اسانلو، علی نجاتی و دیگر فعالین کارگری اشاره شد. هیئت توضیح داد که رهبران کارگری برای متشکل شدن در تشکلهای مستقل از دولت تلاش می کنند. و در این رابطه به سندیکای شرکت واحد، اتحادیه آزاد کارگران، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، انجمن کارگران برق و فلز کرمانشاه، تشکیل شوراها موقت کارگران ذوب آهن اصفهان و پتروشیمی ماهشهر اشاره شد.

سپس اعضای هیئت با تاکید بر نقش موثر همبستگی بین المللی کارگری با کارگران ایران که تاکنون نیز ثمرات زیادی بهمراه داشته

روز جمعه ۵ مارس هیئتی مرکب از رفقا مهراون خورشیدی، و هادی رحیمی از جانب کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران با هیئت رئیس اتحادیه کارگران ترانسپورت نروژ مرکب از Roger Hansen لیبر اتحادیه Jonhnsen معاون اول لیبر و چند تن دیگر از مسئولین اتحادیه دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار ابتدا هیئت گزارشی از اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران و تأثیر آن بر زندگی و مبارزات طبقه کارگر ایران در دل شرایط حاضر ارائه داد. هیئت اشاره کرد که جمهوری اسلامی برای عقب راندن و سرکوب جنبش آزادیخواهانه مردم ایران از شیوه های سرکوبگرانه استفاده می کند و از جمله دستگیری

کارگران سندیکای شرکت واحد و وضعیت منصور اسانلو را دنبال می کند اعلام کرد که اتحادیه تصمیم دارد هئیتی را برای دیدار با اسانلو به ایران بفرستد. Roger Hansen در ارتباط با جلسات سالانه سازمان جهانی کار تاکید کرد که اتحادیه ترانسپورت به نمایندگان اعضای از طرف اتحادیه سراسری کارگران نروژ توصیه خواهد کرد که از رای خود برای اخراج نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی استفاده کنند. لیبر اتحادیه ترانسپورت نروژ که یکی از سخنرانان مراسم اول ماه مه امسال خواهد بود اظهار داشت که در سخنرانی خود مسئله جنبش کارگری و سرکوب فعالین کارگری در ایران را مطرح خواهد کرد.

در پایان دو طرف بر همکاری های درازمدت در رابطه با همبستگی کارگران نروژ با کارگران ایران تاکید کردند.

منصور اسانلو و علی نجاتی بود. در این رابطه گزارشی از آخرین وضعیت اسانلو و خبر سو قصد به جان او توسط مزدوران رژیم در زندان ارائه شد. همچنین بر این نکته تأکید شد که رژیم در صدد از بین بردن اسانلو به اشکال مختلف است. در این ارتباط نامه ای که از طرف سخنگوی کمیته در نروژ، مهراون خورشیدی، برای اتحادیه های کارگری نروژ ارسال شده بود تقدیم شد.

در ادامه از این اتحادیه درخواست شد که در مدیا و در سخنرانیهای خود بویژه در مراسم اول مه امسال همبستگی خود را با جنبش کارگری به طور رسمی ابراز دارند و جمهوری اسلامی را محکوم کنند و رابطه خود را با ما فعالین کمیته همبستگی برای حفظ ارتباط با وضعیت جنبش کارگری ادامه دهند.

رهبری اتحادیه کارگران ترانسپورت با بیان اینکه تحولات مربوط به جنبش کارگری و بخصوص

هستند و آنها هستند که باید دستگیر شده و محاکمه شوند. بیش از سی سال حکومت اسلامی نشان داده است که تغییر در وضعیت زندگی هزاران افغان محبوس در زندانهای ایران نه در جمهوری اسلامی امکان پذیر است و نه مداخله حکومت افغانستان می تواند تاثیری در آن داشته باشد. فقط پیروزی انقلاب مردم ایران و برقراری یک حکومت انسانی می تواند برای میلیونها مهاجر افغان حقوق برابر و کامل شهروندی و برای زندانیان افغان آزادی و امنیت و رهایی از احکام فاشیسم اسلامی به ارمغان بیاورد.*

ندارد. دولت افغانستان خود طرفدار اعدام و اجرا کننده احکام اسلامی است. از اینرو باز گرداندن زندانیان محکوم به اعدام به افغانستان نیز تغییری در سرنوشت آنها نمی دهد. در مورد نشان دادن وضعیت زندانیان افغان و بویژه در مورد محکومین به اعدام در ایران تاکنون فعالیت زیادی صورت نگرفته است. مردم دنیا باید هر چه بیشتر از این جنایات با خبر شوند و خشم و نفرت خود را متوجه جمهوری اسلامی نمایند. مجرمین اصلی و سرکردگان باندهای جنایت و مواد مخدر در دولت و مجلس اسلامی و ارگانهای سرکوب رژیم

کارگران منتشر نشده است. وضعیت افغان ها در ایران آئینه تمام نمای توحش سرمایه داری امروز است. فاشیسم اسلامی حتی در زندان و در سیستم قضائی جمهوری اسلامی در نحوه رفتار با افغانها خود را نشان می دهد. بسیاری از آنها به جرم های واهی در زندان بسر می برند و از امکان گرفتن وکیل مناسب بی بهره اند. حتی در زندانها کشتیف ترین و نامناسب ترین مکانها به زندانیان افغان اختصاص دارد. محرومیت در بین این زندانیان بسیار بیشتر است و به مراتب بیشتر مورد شکنجه و آزارهای سادیستی مزدوران جمهوری اسلامی قرار دارند. سرنگونی جمهوری اسلامی بسیاری از این جنایات را فاش و برملا خواهد کرد. حتی دولت افغانستان که خود دست کمی از جمهوری اسلامی ندارد ناچار به ابراز واکنش در مقابل وضعیت زندانیان افغان شده و بازگرداندن این زندانیان را مطرح ساخته است. اما حبیب اله غالب رئیس عدلیه افغانستان اعلام کرده که پول و امکانات کافی برای نگهداری این محبوسین وجود ندارد و از سوی دیگر دولت افغانستان برای استرداد محکومین به اعدام قراردادی با ایران

هایی که در طول حکومت جمهوری اسلامی اعدام شده اند را به این رقم اضافه کرد. همچنین تعداد بیشمار زندانیان بی نام و نشان که زیر شکنجه و شرایط غیر انسانی زندان ها جان سپرده اند. بسیاری بخاطر فقر از داشتن وکیل محروم بوده و از هیچگونه حمایتی برخوردار نبوده اند. اکثر آنها بخاطر سیر کردن شکم خود و یا فرزندانشان مرتکب جرائم شده اند. میلیونها انسان در ایران به جرم افغان بودن از کمترین حقوق مدنی برخوردار نیستند. آنها بخشی از زندگی خود را در کوره های آجریزی، کارگاههای ساختمانی، مرغداری ها و دامداری ها و در بخش های مختلف تولیدی به سنگین ترین کارها گذرانده اند. پائین ترین دستمزد را گرفته اند و از هیچگونه تأمین اجتماعی و امنیتی برخوردار نبوده اند. بسیاری از آنها افغانستان را بخاطر ندارند و یا حتی آن را ندیده اند، اما بخاطر محل تولد والدینشان حتی از حق رفتن به مدرسه محرومند. هزاران کارگر افغان بخاطر شرایط نا امن کار جان خود را از دست داده اند و تاکنون هیچ خبری از محکومیت یک کارفرما بدلیل کشته شدن این



بهروز مهرآبادی

فاشیسم اسلامی و افغانها در ایران

تاج محمد مجاهد رئیس کمیسیون مبارزه با مواد مخدر مجلس نمایندگان افغانستان در گزارشی اعلام کرد که ۵۶۳۰ نفر افغان در زندانهای ایران به سر می برند و از میان آنها بیشتر از ۳۰۰۰ نفر محکوم به اعدام هستند. این گزارش پس از سفر هیئتی از مجلس نمایندگان افغانستان به ایران انتشار یافت. در این سفر اسامه اله پیمان نایب رئیس مجلس و عبدالستار خواصی از نمایندگان مجلس نیز همراه بودند. به گزارش آقای مجاهد بسیاری از این زندانیان افراد عادی و بیچاره هستند و در راه انتقال مواد مخدر استخدام شده اند و بخاطر فقر و برای رفع نیازمندی زندگی عادی خود دست به این کار زده بودند. به گزارش آقای مجاهد باید رقم افغان

لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

جمال صابری در خطر دیپورت به ایران، او را نجات دهیم!



مارس فرشاد حسینی با سفارت ژاپن در دنهاخ تماس گرفت و خواهان يك قرار ملاقات فوری در خصوص مذاکره با مقامات ژاپنی شد. واشنگتن دی سی: سازمان میهن فری ایران، در حمایت از کمپین جمال، يك تجمع اعتراضی در مقابل سفارت ژاپن در واشنگتن برای روز یکشنبه ۲۱ مارس سازمان داده است.

باید تمامی سفارتخانه های ژاپن، وزارت دادگستری و وزارت امور خارجه ژاپن زیر باران نامه های اعتراضی شما قرار گیرند. باید دولت ژاپن متوجه شود که در همه جای دنیا پر از جمال و دوستان و رفقای اوست. دفاع از جمال فقط دفاع از جان يك انسان، دفاع از يك مبارز خستگی ناپذیر علیه جمهوری اسلامی نیست، بلکه اعتراض به سیاست بیشمارانه دولت ژاپن در همکاری با جمهوری اسلامی و دفاع از مبارزه مردم ایران با رژیم ضد بشری اسلامی نیز هست.

برای دیدن سایت کمپین جمال را آزاد کنید به این لینک مراجعه کنید:

<http://freejamal.blogspot.com>

ونکوور، نامه اصغر کریمی خطاب به وزارت دادگستری ژاپن، نامه عبدالله اسدی دبیر سراسری فدراسیون پناهندگان و همچنین اطلاعیه های "کمپین جمال را آزاد کنید" با امضای پتی دیوناتیس و همراه با عکسهای از جمال صابری به کنسول ارائه گردید. هیئت نگرانی و اعتراض خود نسبت به بازداشت جمال صابری را ابراز داشت و خواهان آزادی وی شد. در لندن هیئتی مرکب از جلیل جلیلی و پتی دیوناتیس روز دوشنبه ۱۵ مارس با مراجعه به سفارت ژاپن در لندن اعتراض حزب کمونیست کارگری ایران و فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی را نسبت به بازداشت جمال صابری از طرف اداره مهاجرت ژاپن به اطلاع سفیر این کشور در انگلیس رساندند. در کپنهاگ روز دوشنبه ۱۵ مارس پیکت اعتراضی در مقابل سفارت ژاپن در کپنهاگ برگزار شد. فریده آرمان به زبان انگلیسی در خصوص وضعیت جمال صحبت کرده و اعلام کرد که دولت ژاپن باید فوراً جمال را آزاد کرده و پناهندگی او را برسمیت بشناسد. در خاتمه فریده آرمان پوشه حاوی نامه ها و طومار و خواسته های کمپین را به مسئولین سفارت ارائه داد. در هلند روز دوشنبه ۱۵

ملاقات و گفتگو انجام دادند و خواهان آزادی جمال شدند. در دوسلدورف روز دوشنبه ساعت ۱۵ مارس هیئتی مرکب از مینا احدی، شهلا خباززاده و محبوبه سیاهمردی و علی مرادی از طرف کمپین "جمال را آزاد کنید" به کنسولگری ژاپن در دوسلدورف آلمان رفته و در مورد موقعیت جمال صابری و اینکه هر چه زودتر باید آزاد شود با کنسول ژاپن گفتگو کردند. در هامبورگ نازنین برومند از طرف کمپین جمال را آزاد کنید با کنسول ژاپن در هامبورگ تماس گرفت و خواهان اقدام فوری دولت ژاپن برای آزادی جمال صابری شد. در استکهلم از طرف کمپین جمال را آزاد کنید با مسئولین سفارت ژاپن در استکهلم تماس گرفته شد و دوستان مفصل در خصوص وضعیت جمال و لزوم آزادی فوری و بی قید و شرط او صحبت کردند. قرار است در روزهای آتی اقدامات دیگری از ملاقات با مقامات سفارت تا برگزاری پیکت در مقابل سفارت ژاپن در این شهر انجام گیرد. همچنین روز ۱۵ مارس هیئتی متشکل از فهیمه صادقی و سلیمان سیگارچی با آقای ساساکی کنسول ژاپن در ونکوور ملاقات کرد. در این ملاقات پوشه ای حاوی نامه فهیمه صادقی دبیر فدراسیون در

دیپورت به ایران قرار دارد. دیپورت جمال به ایران بطور قطع به معنی دستگیری و شکنجه و خطر اعدام برای او خواهد بود. دولت ژاپن در واقع عملاً شریک جنایت و رسماً کنار جمهوری اسلامی ایستاده است. ما همه مردم آزاده و همه سازمانهای مدافع حقوق بشر را فرا میخوانیم تا به این تصمیم دولت ژاپن اعتراض کنند، خواهان توقف حکم دیپورت و آزادی فوری او شوند.

به محض اطلاع از دستگیری جمال، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی به همراه حزب کمونیست کارگری ایران کمپینی را برای نجات وی برپا انداختند، "جمال را آزاد کنید!" نام این کمپین است. در روزهای اخیر مدافین حقوق انسان در کشورهای سوئد، آلمان، انگلستان، کانادا و آمریکا تلاش هایی را برای آزادی جمال آزاد کردند که همچنان ادامه داد.

در فرانکفورت روز دوشنبه ۱۵ مارس هیئتی مرکب از شهناز مرتب از طرف "فدراسیون سراسری پناهندگان ایرنی" و رویا بحرینی از طرف "ایران سولیدارتی" با سر کنسول کنسولگری ژاپن در فرانکفورت آقای جیرو نیچی مورا،

جمال صابری در روز ۴ مارس توسط ماموران مهاجرت ژاپن دستگیر شده است تا به ایران دیپورت شود. جمال صابری که از سال ۱۹۹۰ به ژاپن وارد شد، یکی از چهره های سرشناس مبارزه علیه جمهوری اسلامی است و دیپورت وی به ایران مرگ حتمی وی را به همراه دارد. جمال که از سال ۹۲ به عضویت حزب کمونیست کارگری درآمد و بارها و بارها تظاهرات هایی در دفاع از حقوق مردم ایران در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در توکیو سازمان داده مقالات متعددی را به زبان ژاپنی انتشار داده است. هربار کبرها و دلاراها در ایران در معرض اعدام بودند، هربار که فعالیینی در ایران دستگیر شدند، جمال بدون معطلی در صف اعتراض و مطلع کردن جامعه ژاپنی از آنچه در ایران میگذرد حاضر بود. جمال در سال ۲۰۰۱ درخواست پناهندگی کرد که این درخواست به دلایل پوچ و واهی توسط اداره مهاجرت ژاپن رد شد. جمال در سال ۲۰۰۳ دو بار دستگیر و نزدیک به دو سال در زندان ماند. در نهایت در ۴ مارس ۲۰۱۰ مجدداً توسط اداره مهاجرت ژاپن دستگیر و در خطر



نامه شیوا محبوبی به مادران آرژانتینی

۱۷ مارس ۲۰۱۰

مادران عزیز

من در رابطه با مادرانی به شما نامه می نویسم که مثل شما نوه ها و فرزندان تحت حاکمیت يك رژیم دیکتاتور بوده، دستگیر و شکنجه و اعدام شده اند.

من در رابطه با مادرانی به شما نامه مینویسم که هر هفته در ساعت و روز معینی گرد میایند و خواستار آزادی و یافتن فرزندان خود درست به

در انتظار پاسخ شما هستم. با تشکر شیوا محبوبی مسئول کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران

است که فرزندانشان آزاد شود و یا نشانه قبر فرزند اعدام شده شان را به آنها بدهند. برخی از این مادران بعد از ۳۰ سال هنوز نمیدانند چه بر سر فرزندانشان آمده است.

در حال حاضر مادران زندانیان سیاسی مرتباً در مقابل زندان اوین اجتماع میکنند و خواستار آزادی فرزندانانشان هستند. مادرانی که به مادران عزادار شناخته میشوند نیز اعتراضشان را به مقابل زندان انتقال داده اند.

میدانم که شما اخیراً از مبارزات این مادران دفاع کرده اید. از دور شما را صمیمانه در آغوش میگیرم هدفم از نوشتن این نامه اینست که از شما همکاری فراتری را طلب کنم تا به کمک شما و سایر سازمانهای حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران را

مانند شما که راسخ و استوار در "میدان مایو در دفاع از فرزندانانتان اعتراض میکردید، میشوند.

شما درد این مادران را درک میکنید چرا که تجربه مشابهی داشته اید، تنها تفاوت در این است که اینبار این آدمکشی نه در آرژانتین بلکه در ایران کشوری که ۳۰ سال است مردمش تحت حاکمیت یکی از وحشیانه ترین دیکتاتوریهایی زندگی میکنند اتفاق میافتد.

من نیز خود زمانی که تنها ۱۶ سال داشتم به زندان افتادم و مادرم ماهها از دیدن من محروم بود. مادر من و هزاران هزار مادر دیگر سالها در مقابل زندانها بوده اند، با تحقیر و اهانت گاردهای رژیم مواجه شده اند، تنها خواسته این مادران این بوده

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

موعد دریافت مقالات

چهارشنبه ها

۱۱ شب بوقت اروپای مرکزی

۵ بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا

زنده باد سوسیالیسم!